

آذربایجان

ناشر افکارفرقه دموکرات آذربایجان

دوره پنجم شماره ۸۸ اسفند ۱۳۹۰

پیام شاد باش نوروزی؛

هم میهنان گرامی!

نوروز جشن رستاخیز طبیعت و نوسازی زندگی است. پیشینیان ما نوروز را سر آغاز کار و فعالیت، زایش و رویش طبیعت، پایان کرحتی و خاموشی و نوید دهنده شگفتن و نو شدن میدانستند. نوروز پیام آور همدلی و همبستگی و نشانه ای از تاریخ مشترک حوزه تمدن آسیا - اروپایی است. به همین خاطر می توان جشن نوروز را نماد همسویی و همگرایی فرهنگی دانست که در بسیاری از این کشور ها متداول است. آیین نوروزی در همه گستره های آن دارای قدرت نیرومند وحدت آفرینی است، که باورها و رفتارهای آن سر شار از عناصر مهرورزی و آشتی جویانه و امید به آینده بهتر و شکوفاتر است. نوروز با خود درفش همبستگی، نیک اندیشی و رفع کدورتها و دشمنی ها را در پی دارد. می توان نوروز را روز شگفتن لبخند بر چهره ها و شادی و شادکامی همگانی دانست.

ادامه در ص ۲

«ایران در سالی که گذشت»

جامعه ایران در سال ۱۳۹۰ هم چنان بر بستر شکل گیری بحرانهای اجتماعی و اقتصادی سالهای اخیر که بخصوص پس از انجام انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۸ حادثتر و عمیق تر شده است، شرایط سخت و دشواری را در همه زمینه ها تجربه نموده و می نماید. نتایج این تحولات موجودیت نظام جمهوری اسلامی و هم چنین منافع ملی کشور را در تمام زمینه های اقتصادی و اجتماعی تحت تأثیر خود قرار داده است. مرکز ثقل و نمود بارز این بحران، تشدید تضاد و اختلاف نظر ها میان جناحها در درون حاکمیت جمهوری اسلامی می باشد که علیرغم سعی و تلاش آنها برای دست یافتن به نوعی اجماع و راه حل های قابل قبول برای هر دو جناح، هم چنان بدون نتیجه باقی مانده است. چرا که این تضادهای عمیق و آشتی ناپذیر میان آنها بر آمده از تقابل جدی میان منافع عظیم و غیر قابل گذشت سرمایه داری تجاری سنتی، بازار و حامیان سیاسی آنها به رهبری نهاد ولایت فقیه از یک سو و سرمایه داری نوین بوروکراتیک نظامی - امنیتی به رهبری احمدی نژاد رئیس جمهور از سوی دیگر میباشد. که در نتیجه امکان به تعادل رساندن قدرت در درون ساختار سیاسی کشور را غیر ممکن نموده است. و حتی اتحاد آنها را در مقابله با جریان اصلاح طلبی و نیروهای اپوزسیون ایرانی که از پایگاه وسیع اجتماعی بر خوردار می باشد را متزلزل نموده است.

ادامه در ص ۲

هشت مارس روز جهانی زن گرامی باد

فرقه دموکرات آذربایجان فرارسیدن روز جهانی زن را به همه شیر زنان کشور بویژه زنان غیور آذربایجانی تبریک و تهنیت می گوید.

روز هفدهم اسفند مصادف است با هشت مارس روز جهانی زن. پیکار قهرمانه زنان شهر نیویورک در یکصد و یک سال قبل که با جان باختن نزدیک به ۱۵۰ نفر همراه بود. سر آغاز مبارزه متحدانه زنان جهان برای رهایی از یوغ تبعض و نابرابری جنسیتی شد. این مبارزه الگویی شد برای زنان دیگر کشورها. همه ساله در بسیاری از کشورهای جهان علیرغم سرکوب حاکمان زن ستیز و واپسگرا به اشکال مختلفی بر گزار گردید. و سر انجام تحت تأثیر مبارزات زنان همه کشورها، نیروهای مترقی و مساعدت کشورهای سوسیالیستی در سال ۱۹۷۵ توسط سازمان ملل متحد هشت مارس به عنوان " روز ارج نهادن به مقام زن" نام گذاری و به تصویب رسید.

ادامه در ص ۶

در این شماره
در آذربایجان چه می گذرد!

ص ۷

انتخابات نهمین دوره مجلس

ص ۱۱

ایران و آذربایجان دو کشور همسایه

ص ۱۲

خانواده شهید پرور ابراهیمی

ص ۱۳

به مناسبت صدمین سال تولد یکی از

ص ۱۶

پوتین به پیروزی دست یافت

ص ۱۹

جهان یک قطبی

ص ۲۰

ایران منزوی و پشتیبانان آن

ص ۲۱

جهان در قرن ۲۱ میلادی

ص ۲۲

در آستانه انتخابات

ص ۲۵

دلیل تیرگی روابط

ص ۲۶

شعر لر

ص ۲۸

جمهوری فدرال خواست همه ملل و اقوام ایران است!

«ایران در سالی که گذشت»

نتیجه وضعیت موجود هر کدام از این دو جناح را به اتخاذ تدابیری با هدف تقویت مواضع و موقعیت خود در مقابل به جناح دیگر و ادوار نموده است که به یکی از نمونه های بارز و مهم آن اشاره میشود. سید علی خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی در جریان سفر امسال خود به استان کرمانشاهان در جریان یکی از سخنرانی های خود که در ارتباط با تجزیه و تحلیل کردن مسائل مهم جامعه بود. به ضرورت و لزوم انجام تغییراتی در ساختار سیاسی حکومت اشاره کرد و بر احتمال لغو و حذف نمودن نهاد ریاست جمهوری از ترکیب ساختار سیاسی و اداری حکومت تاکید نمود و جایگزین کردن پست نخست وزیری را که از طریق انتخاب توسط مجلس شورای اسلامی منصوب خواهد گردید را توصیه نمود. که در نتیجه عملی کردن چنین تغییری کنترل و نظارت بر عملکردهای قوه مجریه که رهبری و سازماندهی عملی فعالیت های اجتماعی - سیاسی و اقتصادی کشور می باشد را آسان تر خواهد کرد. از سوی دیگر تجربه برگزاری انتخابات ۲۲ خرداد سال ۱۳۸۸ نشاندهنده این واقعیت بود که برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در کشور که اجباراً توأم با به وجود آمدن فضای نسبتاً باز سیاسی و افساء گری ها و وعده و وعیدها توسط کاندید های شرکت کننده در انتخابات خواهد بود میتواند به یک عرصه مهم مبارزات اجتماعی و سیاسی برای توده های مردم تبدیل گردد و موجودیت نظام را با خطرات جدی مواجه نماید. به همین دلیل در حال حاضر تلاشهای همه جانبه ای از سوی جناح طرفدار تمرکز قدرت سیاسی در دست نهاد رهبری به سرکردگی کسانی مانند مصاح یزدی، برای کنار گذاشتن اصل جمهوریت نظام سیاسی ایران و جایگزین نمودن حکومت اسلامی به جای جمهوری اسلامی در جریان است. این تلاشهای انحصارگرانه برای کنترل کامل بر قدرت سیاسی از سوی یک جناح خاص در حاکمیت پیش از اینکه به تحکیم ثبات و موقعیت آنها در درون جامعه بینجامد به تشدید هرچه بیشتر و افزایش تضاد و رویارویی میان نیروهای سیاسی و اقلیت و طبقات اجتماعی از یک سو و حاکمیت انحصار طلب از سوی دیگر خواهد شد، نمونه بارز و برجسته آنها تظاهرات میلیونی مردم ایران بود که در جریان اعتراض به تقلب انتخاباتی در سال ۱۳۸۸ به رویارویی و تقابل عظیم و تاثیر گذاری، با حاکمیت منجر گردید. چرا که باید این حقیقت را پذیرفت که در هیچ شرایطی توده های مردم و نمایندگان سیاسی آنها صحنه سیاسی جامعه را که مرکز اصلی تصمیم گیری در مورد منافع و سرنوشت و موقعیت آنها در جامعه است را ترک نخواهند کرد. یکی دیگر از عرصه های مهم مبارزه میان جناحهای سیاسی و هم چنین توده های مردم شرکت در انتخابات برای نمایندگی مجلس شورای اسلامی باشد. مردم ایران در طول سی و سه سال کمیت ج - ۱ - دارای تجربیات گرانمایی در زمینه بر خورد رژیم ج - ۱ - به مسئله انتخابات می باشد. ماهیت و نتیجه این تجربیات نشان میدهد که در طی این سالها حاکمیت ج - ۱ - گام بگام راههای استفاده و مشارکت ثمر بخش مردم را برای بهره گیری از حقوق قانونی خود با استفاده از انواع و اقسام اهرمها مانند نظارت استصوابی شورای نگهبان در مراحل مختلف مانند تائید صلاحیت کردن و یا رد کاندیدهای نمایندگی و مداخله در مراحل دیگر انتخابات و هم چنین مداخله نیروهای

پیام شاد باش نوروزی؛

راز ماندگاری این آیین دیرین را باید در همگانی و مردمی بودن آن جستجو کرد. و گر نه سیر حوادث ناگوار تاریخی و هجمه دشمنان خارجی از عرب ها و مغولان و نا اهلان داخلی گرفته و هجوم فرهنگ های غیر بومی می توانست، این آیین گرانقدر را از یاد ها ببرد. پیشینه کین توزی با نوروز به نخستین حمله عرب ها به کشور ما بر می گردد. آنها نوروز را حرام و برگزاری جشن نوروز را منع کردند. عجب نیست که امروز با گذشت صدها سال از آن واقعه، بازماندگان تاریک اندیش آن دوران به آیین کهن مردم ایران می تازند و برگزاری آیین نوروزی را حرام می دانند.

برغم همه اینها مردم سرزمین ما، در زنده نگهداشتن این آیین کهن پایداری و استقامت ورزیدند و از فراز و فرود و پیچ و خم تاریخ این سنت ملی و فرهنگی را سینه به سینه و دست بدست پاسداری کردند و به نسل بعدی تحویل دادند.

امسال در حالی به استقبال آیین های نوروزی می رویم که غارتگران بین المللی از یک سو و دولتمردان نا بخرد داخلی از سوی دیگر غباری از بیم و هراس بر کشور ما پراکنده اند. دشمنان خلقهای ایران بخوبی می دانند که اگر بخواهند ملتی را به تعظیم و تکریم وادارند. ابتدا باید تمام سنن و آیین های مردمی آن ملت را نابود کنند تا بر آن چیره شوند. امری که تاریخ پر فراز و نشیب ایران زمین نشان داده است، شدنی نیست و هرگز این فرصت به بد خواهان داده نشده و داده نخواهد شد.

امسال با توان هر چه بیشتر به آیین های نوروزی ارج نهیم و با همدلی و یگانگی بیشتر بر علیه تمام پلیدی ها به پا خیزیم. و شکفتن زندگی بهاری را با تمام زیباییهایش به خانه هایمان ببریم. نوروزتان مبارک.

کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان

نوروز ۱۳۹۱

«ایران در سالی که گذشت»

ها و با تدوین یک سیاست عملی و واقع بینانه از منافع ملی کشور در عرصه بین المللی دفاع نماید.

موضع گیری ها و فعالیت های تحریک آمیز رهبری جمهوری اسلامی از جمله آن اقداماتی است که زمینه را برای بوجود آمدن این تنش ها فراهم نموده است. برای مثال حمله به سفارت انگلستان و اشغال موقت آن در تهران. سخنان رحیم صفوی مشاور نظامی رهبر ج - ا - مبنی بر اینکه اگر لازم باشد ما قادر به مداخله در امور داخلی عربستان سعودی هستیم و یا متهم کردن ایران به دست داشتن در طرح توطئه ترور سفیر عربستان سعودی در آمریکا که در نتیجه موجب محکومیت کشور ایران از سوی سازمان ملل متحد گردید و هم چنین ادعای مقامات اسرائیل مبنی بر دخالت ایران در اجرای تلاش برای طرح ترور دیپلماتهای اسرائیل در هندوستان، گرجستان و تایلند و هم چنین به بن بست رسیدن همکاریها و مذاکرات میان ایران و سازمان انرژی اتمی که منجر به صدور و تصویب قطعنامه های متعددی از سوی شورای حکام آژانس انرژی اتمی وابسته به سازمان ملل متحد بر علیه ایران شده است، از جمله آن موارد از اقداماتی است که موجب تقابل و رویارویی ایران و بخشی از کشورهای جهان به رهبری آمریکا گردیده است. این کشورها در چارچوب اعمال سیاستهای تنبیهی و پیشگیرانه بر علیه ایران تحریم هایی را بخصوص در عرصه های مختلف اقتصادی اعمال نموده اند که همه زمینه های اقتصادی مانند: بانک و عملیات مالی - پولی تجارت، صادرات و واردات، صنعت و سرمایه گذاری و دست یابی به تکنولوژی نوین بخصوص برای استفاده در صنعت نفت و پتروشیمی و تحریم خریدهای نفتی از سوی برخی از کشورها را در بر گرفته است. مجموعه این اقدامات و سیاست ها اقتصاد ایران را در همه عرصه ها در وضعیت سخت و دشواری قرار داده است. مثلا علیرضا محبوب از مسئولان خانه کارگر در مصاحبه با خبرگزاری ایرنا چنین گفته است: که از تعداد هزار کارخانه صنعتی موجود در خیابان فدائیان اسلام در تهران تعداد ۸۶۰ کارخانه بنایه دلایل ناشی از مشکلات مختلف اقتصادی تعطیل گردیده است و این خیابان به گورستان کارخانجات تبدیل شده است. در زمینه وضعیت اقتصادی جامعه ایران در سال ۱۳۹۰ مهمترین حادثه مهمی که بلا واسطه زندگی و معیشت مردم را تحت تاثیر قرار داده است اجرای طرح هدفمندی یارانه ها می باشد. اجرای این طرح هیچ گونه تاثیری مثبتی بر رشد شاخصهای اقتصادی کشور نداشته است. از جمله بالا رفتن میزان تورم تا حدود ۳۰ درصد و در بعضی موارد ۵۰ درصد، نابودی زیر ساختهای اقتصادی کشور بدلیل آزاد سازی قیمت سوخت و انرژی مورد احتیاج کارخانه جات صنعتی و عدم حمایت لازم دولتی از آنها و پیوستن میلیونها نفر از اهالی کشور به صفوف بیکاران. کاهش نرخ رشد اقتصادی، رشد ۹ برابر کسری بودجه و رشد نقدینگی پولی تا حدود ۴۰۰ میلیارد دلار و کاهش سرمایه گزاریها و همه این معضلات اقتصادی در شرایطی است که درآمدهای دولتی در طی ۶ سال گذشته که درآمدهای حاصله از فروش نفت و خصوصی سازی شرکت های دولتی و هم چنین فروش اوراق مشارکت و درآمدهای مالیاتی و دیگر درآمدها معادل با ۷۴۰ میلیارد دلار بوده

امنیتی - سیاسی و اعمال نفوذهای مختلف آنها محدودیتهای جدی را به وجود آورده است. در نتیجه همین عملکردهای بوده است که تمامی نیروهای اصلاح طلب و اپوزسیون داخل و خارج کشور مجبور به اعلام تحریم و شرکت نکردن در انتخابات نهمین دوره مجلس در ۱۲ اسفند امسال شدند. هاشمی رفسنجانی که شخصیت سیاسی ساختار شکنی هم نیست پیرامون برگزاری انتخابات اسفند ماه چنین گفته است. نقل قول: می توان با فراهم کردن شرایط مد نظر فعالان سیاسی دلسوز نظام زمینه حضور گروههای مختلف را در این انتخابات فراهم کرد و یا آقای محمد خاتمی رئیس جمهور سابق در دیداری با جوانان اصلاح طلب درباره مسئله انتخابات از جمله گفت: کشور متعلق به همه است و انقلاب در انحصار یک گروه و جریان نیست ما انتخابات درست و خوبی می خواهیم که همه در آن شرکت کنند و فراهم آورنده زمینه حضور فراگیر مردم، امنیت واقعی را تأمین می کند و حاصل آن هم مجلس نیرومندی است که هم جلودار بی قانونی و دیکتاتوری را می گیرد و هم بهترین تضمین برای جلوگیری از فسادهای بزرگ و جلوگیری از وقوع آن است. پایان نقل قول - تجربه انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ نشان داد که حتی اگر حاکمیت ج - ا - تحت تاثیر فشار عمومی و توده های مردم به تعدادی از نمایندگان اصلاح طلب اجازه شرکت در انتخابات را هم بدهد، آماده نیست به نتیجه چنین انتخابی که به ضرر او باشد تن در دهد. اگر در شرایط کنونی نیز مسئولان رژیم ج - ا - اجازه شرکت تنی چند از اصلاح طلبان را هم در انتخابات بدهند نمی تواند سود و ثمری برای بهبودی وضع عمومی جامعه داشته باشد. چرا که تجربه فعالیت مجلس در دوره های قبل نشان دهنده این حقیقت است که هرگاه انحصار طلبان احساس خطر نموده اند با استفاده از اهرمهای مانند حکم حکومتی که از جمله اختیارات مقام رهبری می باشد و هم چنین بهره گرفتن از صلاحیتهای شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام از تبدیل شدن خواسته ها و طرح های پیشنهادی اصلاح طلبان به لولیح قانونی جلوگیری کرده اند که در نتیجه فعالیت مجلس شورای اسلامی نمی توانند تأمین کننده و مدافع خواستها و منافع اقشار و طبقات مختلف اجتماعی از طریق حضور نمایندگان خود در مجلس باشند.

در عرصه سیاست خارجی دولت ج - ا - در سال ۱۳۹۰ هم چنان شاهد بالا گرفتن تنش و رویارویی میان دولتهای آمریکا - اتحادیه اروپا و برخی کشورهای همسایه ایران از یک طرف و حاکمیت ج - ا - از سوی دیگر بوده ایم. با توجه به در نظر گرفتن اوضاع حساس کنونی منطقه و جهان، ادامه این رویارویی ها موجب به وجود آمدن نگرانیهای عمیق مجامع و محافل صلح دوست در ایران و جهان گردیده است. هر چند که دولتهای بزرگ در صحنه سیاسی - جغرافیایی جهان بدنبال دست یابی و تثبیت منافع اقتصادی و سیاسی خود در مناطق مهم جهان هستند، ولی در عین حال این درایت سیاسی و احساس مسئولیت در رهبری کشورها است که میتواند در چارچوب داشتن درک درستی از تناسب نیروها در همه زمینه ها و با تدوین یک سیاست عملی و واقع بینانه از منافع ملی کشور در عرصه بین المللی دفاع نماید.

«ایران در سالی که گذشت»

است. لازم به توضیح است که چنین در آمدی در هیچ مقطعی از تاریخ درآمدهای دولتی چه بعد و چه قبل از انقلاب سابقه نداشته است. بنابه گفته سید رضا عظیمی مدیر کل دفتر تحقیقات سیاستهای پولی وزارت اقتصاد و دارایی در آمد حدود ۱۵ میلیون نفر از خانوارهای ایرانی در ماه تا حدود ۳ میلیون تومان است. از طرف دیگر بنابه گزارش مرکز آمار ایران تعداد جمعیت در ایران ۷۴ میلیون نفری باشد و تعداد خانواده های کارگری در ایران حدود ۳۰ میلیون نفر است که حقوق پایه آنها ۳۳۰ هزار تومان مقرر گردیده است. این در حالی است که بنا به اعتراف مقامات رسمی دولت ج-ا- رقم در آمدی خط فقر در ایران معادل یک میلیون تومان در ماه می باشد. و این یک حقیقت انکار ناشدنی است که جمعیت ۳۰ میلیون نفری خانوارهای کارگری به اضافه جمعیت خانوارهای دهقانی کم زمین و بی زمین و قشرهای کم در آمد شهری اکثریت شکننده جمعیت ایران را تشکیل میدهد، که در شرایط سخت و دشواری به سر می برند. دولت ج-ا- برای پرداخت یارانه ها و تامین منابع مالی آن مجبور به برداشت ۴۵ درصد از بودجه طرحهای عمرانی کشور شده است و هم چنین برداشتهای دیگر پولی از بودجه های اختصاص داده شده برای وزارت خانه های مختلف دیگر به دلیل وجود همین نارسائی مالی است که دولت تصمیم گرفته است که تعداد ۱۵ میلیون نفر را از پروژه در یافت یارانه ها حذف نماید. در سطح اقتصاد کلان جامعه مهمترین دلیل عدم رشد اقتصادی ایران عبارت است از اجرای برنامه ها و سیاست های مربوط به آزاد سازی و خصوصی سازی موسسات مهم اقتصادی در ایران است. با توجه به تجربیات اخیر ناشی از بحران اقتصادی در کشورهای بزرگ سرمایه داری جهان در سال ۲۰۰۸ به بعد تعدادی از این کشورها مانند برزیل، هندوستان و حتی بعضی از کشورهای بزرگ صنعتی در اروپا مجبور به تجدید نظر و کنار گذاشتن برخی از الگوهای اقتصادی نو لیبرال که عبارت بود از به حداقل رساندن نقش دولت در فعالیتها و سیاست گذاری های اقتصادی جامعه را کنار گذاشته و خواهان نقش فعال دولت در امور اقتصادی شده اند. این در حالی است که رژیم ج-ا- سیاست خصوصی سازی صنعت ملی نفت ایران را در چارچوب یک سیاست گذاری چند مرحله ای به اجراء گذاشته است. معاون وزیر نفت در مصاحبه ای با خبرگزاری ایسنا در ۲۹ مرداد ۱۳۹۰ اعلام کرد که حجم و مقدار واگذاری بخش هایی از صنایع نفت به بخش خصوصی به مبلغ ۳۹ میلیارد دلار رسیده است و در سال جاری ۴۰ شرکت و طرح دیگر که وابسته به شرکت نفت است، به بخش خصوصی واگذار خواهد شد در همین رابطه قاسمی وزیر نفت در دیدار با پیمانکاران تجهیزات صنعت نفت اظهار داشت که وجود ساختارهای دولتی از موانع اساسی و مهم در راستای جلوگیری از توسعه صنعت نفت در ایران می باشد و لازم است که با اصلاح قانون نفت و گاز در چارچوب دولت و مجلس موانع موجود در راه توسعه و پیشرفت این صنایع استراتژیک برداشته شود. لازم به تذاکرات که مسئله نفت در ایران مسئله مهم و حساسی می باشد که بلا واسطه با مسائل

مهمی چون استقلال ملی و حاکمیت مردم ایران بر اساسی ترین ثروت ملی خود که ۸۰ درصد از در آمد ملی و دولتی کشور را تشکیل میدهد ارتباط دارد. مسئله مبارزه به خاطر ملی کردن یعنی تامین مالکیت عموم مردم ایران بر منابع و صنایع نفت کشور دارای یک ریشه عمیق در تاریخ معاصر ایران می باشد و خصوصی سازی صنایع نفت با منافع ملی خلقهای ساکن در ایران و سمت گیری درست اقتصادی مبتنی بر منافع همه اقشار و طبقات جامعه ایران مغایرت تام و تمام دارد. یکی دیگر از عرصه های مهم فعالیتهای اجتماعی در سال ۱۳۹۰ در ایران مقاومت جنبش دانشجویی و مبارزه آنها برای دست یابی به خواسته های خود میباشد که از جمله آنها میتوان به مبارزه آنان بر علیه سیاست غلط و نادرست تفکیک جنسی دانشجویان در دانشگاهها و هم چنین تغییر و اصلاح کتاب های درسی با هدف اسلامی کردن محتوی آنها و ادغام کردن بعضی از دانشگاهها و مراکز علمی در موسسه ها و بنیادهای مذهبی می باشد که موجب اوج گیری هرچه بیشتر نارضایتی در مراکز مختلف دانشگاهی شده است. از جمله میتوان به برگزاری اعتراضات در دانشگاه امیر کبیر - دانشگاه مازندران، دانشگاه رازی کرمانشاه - دانشگاه کردستان، دانشگاه زنجان و... دولت جمهوری اسلامی کماکان مانند گذشته به جای توجه نمودن در راستای اقدامات علمی برای پذیرفتن خواسته های بحق دانشجویان به سرکوب و تشدید کنترل و نظارت انضباطی و امنیتی بر فعالیت دانشگاهها ادامه میدهد.

در سال گذشته یکی از مهمترین اقدامها و حادثه ای که بلا واسطه وضعیت معیشتی و اقتصادی مردم را و بخصوص کارگران و کارمندان و دیگر اقشار زحمت کش جامعه ایران را تحت تاثیر قرار خواهد داد ارائه طرح پیش نویس قانون کار برای تصویب در مجلس شورای اسلامی و جایگزین کردن آن به جای قانون کار فعلی می باشد. انتشار این پیش نویس موجب اعتراض و نا رضایتی مراکز کارگری در نقاط مختلف ایران شد چراکه زحمتکشان میدانند که این طرح جدید قانون کار در چارچوب طرح آزادسازی اقتصادی که بنا به توصیه بانک جهانی و صندوق بین المللی پول که در اکثر کشورهای جهان به اجراء در آمده است، می باشد و در اصل در راستای تامین منافع و خواسته های صاحب کاران و سرمایه داران می باشد. که در عین حال میتواند موجب از میان رفتن کامل دست آوردهایی باشد که کارگران و حمتکشان ایران در طی دهها سال مبارزه بدست آورده اند. وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی ج-ا- حدود ۷۶ ماده از قانون کار کنونی را تغییر داده است، که از جمله مهمترین این ماده ها که با منافع مردم در تضاد قرار دارد عبارتند از:

- تعیین حد اقل دستمزد توسط وزیر کار و بدون مشارکت نمایندگان کارگران.
- حذف پرداخت عیدی به کارگران.
- حق لغو قراردادهای کاری به کمیته های انضباطی.
- طرح پرداخت دستمزد دوگانه به کارگران.
- در نظر نگرفتن حق تشکل سندیکایی برای کارگران،

«ایران در سالی که گذشت»

مانند محبوبه کرمی - بهاره هدایت - عالییه اقدام دوست و عهدیه گلرو که همچنان در شرایط سخت و دشواری در زندان به سر می برند. نمونه هایی از صدها زندانی سیاسی در ایران هستند که بخاطر مبارزه در راه احقاق حقوق سیاسی و اجتماعی مردم اسیر و در بند زندانهای حاکمیت ج - ۱ می باشند.

در سال گذشته بدنال طرح دو فوریتی نجات دریاچه ارومیه در مجلس شورای اسلامی و رد آن در عین نا باوری همگان از طرف اکثریت نمایندگان مجلس، مردم و مخصوصا طرفداران محیط زیست را بهت زده کرد. فعالین مدنی و محیط زیست آذربایجان روز دوازده شهریور را به عنوان روز اعتراض همگانی به بی توجهی مقامات دولتی به پیامدهای خشک شدن دریاچه ارومیه و تاثیر مخرب زیست محیطی آن بر زندگی میلیونها اهالی آذربایجان و دیگر استانهای همجوار، روز اعتراض عمومی اعلام کردند. روز مقرر هزاران نفر نیروی انتظامی و امنیتی که از نقاط دیگر نیز آورده شده بودند، شهرهای آذربایجان بخصوص تبریز و ارومیه را به کنترل خود در آوردند. و به سرکوب هزاران نفری پرداختند که برای نجات دریاچه ارومیه به خیابان ها آمده بودند. صدها نفر مورد ضرب و شتم شدید قرار گرفتند و دهها نفر دستگیر و زندانی شدند. دادگاههای انقلاب و دادگاههای عمومی شهرهای استانهای آذربایجان بویژه در تبریز و ارومیه احکام سنگینی بر علیه افراد دستگیر شده صادر نمودند. علیرغم اعتراضات مردم ایران و سازمانهای بین المللی نسبت به این دستگیری ها هنوز بخش مهمی از دستگیرشدگان یا به زندانهای طولی المدت محکوم شده اند در زندان در شرایط نا مساعد زندانها بسر می برند و یا هنوز بلا تکلیف زیر شدیدترین فشارها از طرف مقامات زندان ها هستند.

مبارزه برای احقاق حقوق مردم و برای دفاع از حقوق و جان زندانیان سیاسی - عقیدتی و مدنی از وظایف اصلی و عاجل همه نیروهای سیاسی و مردم آزادیخواه ایران می باشد.

- جایگزین قراردادهای سفید امضاء و موقت به جای قراردادهای دائمی.

- غیر قانونی کردن حق اعتصاب، تحصن و تظاهرات برای دادخواهی در مقابل ظلم و ستم.

- و ...

متقابلا نقش و موقعیت دولت و انجمن های کارفرمایی در ارتباط با تصمیم گیریها در مورد سرنوشت زحمتکشان را در موقعیت بالا و تقویت شده ای قرار داده است.

بنا به همین دلایل زحمتکشان با این طرح پیشنهادی قانون کار که مغایرت کامل با منافع آنها دارد، مخالفت خواهند نمود. در همین رابطه مقامات ج . ۱ با هدف جلوگیری و مقابله با اعتراضات و مبارزات زحمتکشان با طرح پیشنهادی قانون کار و دیگر مشکلات دور جدیدی از فشار و سرکوب فعالان کارگری را سازماندهی و افرادی را هم که در بند زندان هستند، مورد اذیت و آزار بیشتری قرار داده است. از آن جمله علی نجاتی عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه (نام برده عمل جراحی قلب انجام داده). منصور و افشین اسانلو و رضا شهبانی از اعضای هیئت مدیره کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی (سالها در زندان به سر می برند و در شرایط اسفناکی هستند). شاهرخ زمانی عضو بازگشایی هیئت مدیره کارگران نقاش(در تبریز زندانی است) و بهنام ابراهیم زاده (به ۵ سال حبس تعزیری محکوم شده است). و هم چنین دادگاه انقلاب تبریز برای عده ای از فعالین کارگری و دانشجویی بیست و دو سال و شش ماه حکم صادر کرده است.

...

همچنین در طول سال گذشته در زمینه سیاست حاکمیت جمهوری اسلامی در قبال برخورد با مسئله بسیار مهم و اساسی آزادیها و امکان بهره مندی حقوق طبیعی و انسانی خود نه تنها گشایش و بهبودی مشاهده نگردید، بلکه سیاست ادامه فشار و سرکوب در ارتباط با فعالیت اجتماعی و سیاسی اقشار و طبقات مختلف جامعه کماکان ادامه داشته و دارد. ب وجود آوردن محدودیت های هر چه بیشتر در عرصه فعالیت های مطبوعاتی و روزنامه نگاری و بستن تعدادی از سایت های مختلف و دستگیری فعالین در این عرصه ها هم چنان ادامه دارد. دستگیری مزدک علی نظری سردبیر خبرنگاران صلح که در زندان حتی به او اجازه دفاع از خود را ندادند. کیوان صمیمی روزنامه نگار - احمد زیدآبادی از فعالین ملی مذهبی و روزنامه نگار که در زندان با اوضاع بد جسمی و روحی مواجه هستند نمونه بارزی از این سرکوب و فشارها به دهها روزنامه نگار و نویسنده و خبرنگار است که در زندانهای سراسر کشور تحت اذیت و آزار قرار گرفته اند.

دستگیری های مکرر فعالین در عرصه دفاع از حقوق خلقها و ملیت های ساکن ایران و تشکلهای حقوق بشری، محیط زیست و مدنی در مناطق ملی بخصوص در استانهای آذربایجان - کردستان - خوزستان و بلوچستان هم چنان بخش مهمی از سیاست و فعالیتهای جمهوری اسلامی را در بر گرفته است. ادامه باز داشت محمد صادق کبودوند مسئول سازمان دفاع از حقوق بشر در کردستان و عبدالفتاح سلطانی از وکلای مدافع آزاده و مبارزی که سازمان جهانی عفو بین الملل خواستار آزادی آنها شده است از نمونه های مهم در این عرصه هستند.

فرقه دموکرات آذربایجان پروسه های منطقه ای و جهانی را مد نظر داشته، با بیش از نیم قرن تجربه فعالیت سیاسی و با درس عبرت گرفتن از مبارزه ناکامی و پیروزی های گذشته ملی مردم آذربایجان را جهت داده، فعالیت خود را در مقیاسی جدید ادامه می دهد

پیشنه وری

هشت مارس روز جهانی زن گرامی باد



به ارتش بیکاران افزوده است. گسترش بیکاری از سویی و سیر صعودی قیمت مایحتاج روزانه زندگی از سوی دیگر اوضاع ناگواری را برای بخش بزرگی از مردم بخصوص برای زحمتکشان کشور ایجاد کرده است. تأثیرات و پیامدهای منفی چنین بحرانی بر کار و زندگی زنان، بویژه زنان کارگر و زحمتکش دو چندان است. نرخ بیکاری زنان طبق آمارهای خود رژیم بین ۴۵ تا ۵۰ درصد ارزیابی می شود. این بخش

از زنان در معرض انواع آسیب های اجتماعی قرار دارند. علی رغم این زنان کشورمان دوشادوش مردان برای ترقی و پیشرفت کشور و برابری حقوق بین زنان و مردان و برون رفت از بحران دامنگیرمیهنمان مبارزه می کنند. جنبش اعتراضی سالهای اخیر و مبارزه بر علیه سیاست های ضد مردمی حاکمیت را به نحو چشمگیری زنان به دوش گرفته و به پیش می برند.

تاریخ معاصر ایران سرشار است از قهرمانی ها و جانبازیهای زنانی که یا در میدان مبارزه جان باختند و یا در زندان های رژیم های حاکم زیر شدیدترین شکنجه ها قرار گرفتند. فشار های مضاعف بر زنان باعث نشد تا از میدان مبارزه پا پس بکشند. امروز زنان کشور ما پیشاپیش مبارزه بر علیه حاکمیتی قرار دارند که ابتدایی ترین حقوق مردم از آن جمله حقوق زنان را زیر پا می گذارد و کشور را در پرتگاه نابودی قرار داده است.

یک بار دیگر روز جهانی زن را به همه زنان کشور مان شاد باش می گوئیم

زنان ایران همگام با زنان جهان در مبارزه ای سخت و توان فرسا با نیروهای ارتجاعی و زن ستیز، برای بدست آوردن حقوق برابر با مردان، آزادی و عدالت اجتماعی مبارزه کرده اند. برای اولین بار در روز ۱۷ اسفند ۱۳۰۰ زنان رشت به دعوت «جمعیت پیک نسون» به رهبری خانم روشنگر نودوست در یک راهپیمایی با شکوه این روز را گرامی داشتند.

جنبش های اجتماعی ایران مشحون است از فداکاری و خود گذشتگی زنان کشور که دوشادوش مردان برای آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی و برابری جنگیده اند. انقلاب مشروطیت، جنبش ۲۱ آذر، جنبش ملی کردن نفت و بخصوص انقلاب بهمن ۱۳۵۷ همه گواه آنست که زنان کشور دوشادوش مردان به مبارزه بر خاسته و نقش بسزایی در به نتیجه رساندن آن داشته اند.

امسال در شرایطی که استقبال روز جهانی زن می رویم که بحران سرمایه داری جهانی بخش عظیمی از زنان جهان بویژه زنان خاورمیانه را به میدان مبارزه علیه امپریالیستها و حاکمان مرتجع و مستبد کشانده است. جنبش ۹۹ درصدی مردم کشورهای سرمایه داری بزرگ آمریکا و اروپا بر علیه نظام های غارتگر خود و جنبش مردم خاورمیانه (بهار عربی) بر علیه حاکمان استبدادی و مرتجع، نوید بخش رهایی مردم جهان از وضعیت نا هنجار جهان کنونی است.

در ایران اوضاع سیاسی - اجتماعی و اقتصادی کشور در سایه سیاست های نادرست و ماجراجویانه حاکمیت و قلدنمنشی کشورهای امپریالیستی بشدت بحرانی است. گسترش دامنه تحریم های اقتصادی بسیاری از رشته های تولیدی و خدماتی را با رکود روبرو کرده است. تعطیلی، ورشکستگی و نیمه تعطیل شدن بنگاههای تولیدی و صنعتی

در آذربایجان چه می گذرد!

صدور حکم برای یازده تن از فعالین سیاسی و مدنی آذربایجان

گراف (دروغ سنج) قرار گرفته که هر بار نتایج تست موید ادعاهای کیفر خواست نبوده است. دکتر اسدی در حال حاضر از ناحیه دو چشم تقریباً نابینا شده است و خونریزی معده دارد. سرانجام این پزشک تحت فشار های حبس و بلاتکلیفی ۲۰ ماهه در روز یکشنبه از طریق خوردن ۲۰ قرص لورازپام ۲ میلی گرم و زدن رگ رادیال سعی بر پایان مصائب خود کرد که با هوشیاری هم اتاقی هایش فوراً به بیمارستان منتقل شده و از مرگ حتمی نجات یافت. بلاتکلیفی طولانی پرونده زندانیان سیاسی از جمله استنادات احمد شهید کمیسر حقوق بشر سازمان ملل است که توسط مقامات قضایی رد شده است و پرونده دکتر اسدی فقط یک مورد از ۱۲ پرونده زندانیان بلاتکلیف در بند ۳۵۰ است. وی در مورخ ۱۶ بهمن ۱۳۹۰ به بازداشتگاهی مخفی متعلق به نیروهای امنیتی در شهر تهران منتقل و مجدداً مورد بازجویی های مکرر زیر دستگاه پلی گراف و فشار های شدید روحی و روانی قرار گرفت و پس از ۱۱ روز به بند ۳۵۰ زندان اوین بازگردانده شد. نکته ی قابل توجه این است که وی در این مدت تحت عنوان انتقال به داسرا از زندان تحویل گرفته شده و هیچ اطلاعی نیز به خانواده و بستگان و حتی مسئولین زندان و هم بندیان نیز داده نشده بود.

به امید روزی که هیچ زندانی وجود نداشته باشد!

ما جمعی از زندانیان محبوس در زندان مرکزی تبریز ضمن اعتراض و محکوم کردن عملکرد قوه قضائیه، سازمان زندانها و ضابطین قضایی در رابطه با حقوق قانونی داخلی و بین المللی زندانیان اعلام می داریم، از جهات مختلف به لحاظ فضا، بهداشت و درمان، رسیدگی به شکایات، حفظ امنیت جانی و روانی و... در بی حقوقی کامل به سر می بریم، بارها طی نامه های فردی و زمانهای نیز طی نامه های جمعی و اعتراضات از مسئولین در خواست رسیدگی، رعایت قوانین و نظارت بر اجرای آنها شده ایم اما هرگز توجه نکردند. لذا در این راستا به نمایندگی از کل زندانیان خواسته های قانونی و انسانی خود را در اعتراض به این اوضاع به اطلاع مسئولین و کلیه جهانیان می رسانیم.

۱- داشتن جا و فضای مناسب طبق استاندارد تعریف شده در آیین نامه ی داخلی زندان، فعلاً در زندان تبریز راهروهای زندان تا کنار توالتها پر بوده و بند سه گانه به جای ۳۰۰ نفر ۸۰۰ نفر، و در بند معتادین به جای ۲۵۰ نفر ۷۵۰ نفر، و در بند مالی به جای ۱۰۰ نفر ۲۰۰ نفر به سر می برند، زندانیان روی هم رفته هر ۴ نفر با یک پتو می خوابند.

۲- ما خواهان برخورداری از بهداشت و درمان مناسب هستیم، اکنون کلیه ی بندها در کثیف ترین وجه ممکن به لحاظ حیوانات مودی: موش، سوسک و شپش، پتوهای بشدت کثیف... هستند. برای هر ۱۰۰ تا ۱۵۰ نفر یک توالت و یک حمام می باشد. هر ماه یک بار مریض های رو به مرگ به بهداری

شعبه اول دادگاه انقلاب تبریز در اوایل اسفند ماه، یازده تن دیگر از فعالین آذربایجانی را به اتهام واهی اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت کشور و تبلیغ علیه نظام به بیست دو سال و نه ماه زندان محکوم کرد.

به گزارش «خانه حقوق بشر ایران» دادگاه انقلاب تبریز آقایان مصطفی عوض پور، وحید شیخ بیگلو، علی حاج ابولو (حسن ارک)، جمشید زارعی، عزیز پورولی، احمد ریاضی مبارکی، محمود فضل، مهدی توری، مهدی حمیدی شفق، تقی سلحشور و موسی برزین خلفه لی (وکیل دادگستری) را در مجموع به بیست و دو سال و نه ماه و سه روز زندان محکوم کرد. نامبردگان به همراه هیجده نفر دیگر روز دوم شهریور ماه سال جاری در محله قوم تپه تبریز و منزل پدری مصطفی عوض پور دستگیر شدند.

خودکشی نافرجام پزشک تبریزی در بند ۳۵۰ زندان اوین.

به گزارش سایت کلمه، اسدالله اسدی دغدغان، زندانی سیاسی که افزون بر ۲۰ ماه را به صورت بلاتکلیف در حبس به سر می برد، روز یکشنبه ۲۱ اسفند ۱۳۹۰ دست به خودکشی زد، اما هوشیاری و سرعت عمل زندانیان بند ۳۵۰ موجب شد تا این پزشک ۴۹ ساله از مرگ نجات پیدا کند. اسدالله اسدی که در تبریز به طبابت مشغول بوده، در ۲۱ تیرماه ۸۹ در این شهر بازداشت شده و ۵ ماه را در بازداشتگاه اداره اطلاعات تبریز به صورت انفرادی در حبس گذراند. وی متهم به ارتباط با دول متخاصم است و پس از انتقال از تبریز ۴ ماه را نیز در انفرادی بندهای ۲۴۰ و ۲۰۹ زندان اوین در حبس به سر برد. در طول بیش از ۱۸۰ جلسه بازجویی در بازداشتگاه اطلاعات تبریز، دکتر اسدی مورد انواع شکنجه ها قرار گرفت، به گونه ای که به دلیل ضربات پوتین به ناحیه سر و شکم دچار مشکلات شدید کلیوی و در اثر نگهداری طولانی مدت در انفرادی های تاریک تقریباً بینایی خود را از دست داده و ضربات شدید موجب خونریزی در سیستم دفع ادرار وی شده است. بر اساس این گزارش، تهدید به اعدام، انداختن در چاه فاضلاب، زنده به گور کردن و فرو کردن سر این زندانی در توالت موجب ناراحتی های شدید روحی و افسردگی این زندانی آذری شده است. پنج شبانه روز به صورت سرپا ننگ داشتن بدون اجازه برای تکیه به دیوار و نشستن، از دیگر فشار های جسمی ای است که روح و جسم این زندانی را به شدت مورد آسیب قرار داد. اسدالله اسدی تا کنون ۵ بار به شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی صلواتی احضار شده و از وی خواسته شده است اعترافات تحت فشار را در مقابل قاضی مورد تایید قرار دهد که تاکنون اسدی اعترافات تحت اجبار و شکنجه را رد کرده و به دلیل نبود مستندات کافی دادگاه هنوز نتوانسته اند در این پرونده تصمیم گیری کنند. این پزشک بیمار چند بار تا کنون چند بار نیز تحت تست پلی

در آذربایجان چه می‌گذرد!

برده شده و بدون مداوای مؤثر به امان خدا ول می‌شوند به طوری که هر ماه به طور متوسط یک نفر بر اثر بیماری می‌میرد.

۳- خواستار داشتن تغذیه و هواخوری مناسب طبق آیین نامه داخلی زندان هستیم. غذای زندان با بدترین کیفیت و کمترین مقدار بقدری کثیف و غیر قابل خوردن می‌باشد که اغلب زندانیان نیمه گرسنه اند و یا خودشان اقدام به تهیه غذا و پخت و پز می‌کنند، به اعتراف برخی از مسئولین رده پایین امکانات ارائه شده به اندازه یک بیستم اندازه تعیین شده در آیین نامه زندان می‌باشد.

۴- ما خواهان عدم وارد کردن مواد مخدر به زندان و قطع کشتار معتادین با متادون هستیم. در تمامی بندهای زندان مخصوصاً "بند معتادین، بندسه گانه، بند ۹ مواد مخدر آزادانه و علنی خرید و فروش و استعمال می‌شود، به طوری که در موارد زیاد افراد سالم پس از ورود، معتاد شده و برای تهیه مواد حتی تن به خود فروشی می‌دهند.

۵- ما خواستار نقض قانون ضدانسانی دیه بوده و خواهان پرداخت پولهای افراد انسان دوست برای آزادی زندانیان دیه هستیم. درحال حاضر اغلب پولهای جمع آوری شده برای آزادی زندانیان دیه توسط مسئولین خورده شده در نتیجه زندانیان فوق نجات نیافته همچنان بلاتکلیف هستند.

۶- ما خواهان نقض حکم ضد بشری قصاص و اعدام هستیم. هم اینک در زندان مرکزی تبریز بیش از صد نفر با میانگین سنی ۱۷ تا ۲۵ سال در انتظار حکم اعدام می‌باشند.

۵- ما خواستار نقض قانون برده داری مهریه در خرید و فروش زنان و آزادی کلیه زندانیان در این مورد هستیم. ۶۰٪ افراد محکوم زندانی در بند ۸ مالی مربوط به مهریه بوده و بنا به گفته مسئولین در کل استان تعداد این افراد به ۷۶۰۰ نفر می‌رسد.

۷- ما خواهان تفکیک زندانیان سیاسی و عادی بر اساس نوع جرمشان و پایان دادن به شکنجه روحی زندانیان سیاسی هستیم. شرایط برای زندانیان سیاسی زندان مضاعف است در واقع برای آنها زندان در زندان است، که به طور آگاهانه و سازمان یافته از طرف وزارت اطلاعات، سازمان زندانها، قوه قضائیه، مسئولین بندها و... اعمال می‌گردد.

۸- ما خواستار پایان دادن به کلاسهای احکام اجباری، نماز جماعت و مراسمات دینی هستیم. مسئولین به بهانه جمع آوری امتیاز برای زندانیان جهت استفاده از عفو مشروط، مرخصی و ملاقات حضوری موارد فوق را به زندانیان تحمیل می‌کنند، تا بتوانند اراده ی زندانیان را خرد کرده آنان را به آلت دست مسئولین زندان تبدیل کنند.

۹- ما خواهان اجرای عادلانه عفوهای عمومی، موردی، مشروط و مرخصی مطرح شده در قانون هستیم. در این رابطه در این زندان خودسری و قانون شکنی رایج می‌باشد که زندانیان حتی ساکنن تبریز تقاضای انتقال به جاهای دیگر مانند مرن، اهر و... را می‌نمایند.

۱۰- ما خواستار لغو جرایم در رابطه با مشروبات، اعتیاد و آزادی زندانیان مربوط به موارد فوق هستیم. پرداخت دستمزد و حقوق کامل به زندانیان کارگر که در کارگاه های خیاطی، کفاشی، کیف دوزی و... در داخل زندان کار می‌کنند. هم اکنون مسئولین زندان و سازمان زندانها از کار اجباری زندانیان سود های سر سام اوری می‌برند بطوری که بسیاری

از زندانیان ناچار به کار کردن در کارگاه های داخل زندان هستند و در ازای یک روز کامل کار شدید به آنها فقط ۶۰۰ تا ۷۰۰ تومان دستمزد می‌دهند یعنی یک استاد کار خیاط، کفاش، ... ماهی ۲۱ هزار تومان و شاگرد و وردست در کارهای فوق ماهی ۱۲ هزار تومان در یافت می‌کند رساندن این نامه به مراکز ذی صلاح از عهده ما خارج است، بنابراین از تمامی دوستان و مردم آزادیخواه می‌خواهیم این نامه را به مراکز فوق از جمله عفو بین الملل، دفاتر مختلف حقوق بشر، مراکز دفاع و حمایت از زندانیان و... برسانند

جمعی از زندانیان سیاسی و عادی زندان مرکزی

۱۳۹۰/۱۲/۱۱

متن کامل گزارش احمد شهید گزارشگر ویژه سازمان ملل درباره وضعیت حقوق اقلیت های قومی در ایران

۶۲- گزارشگر ویژه همچنان گزارش هایی را درباره نقض حقوق بشر اقلیت های قومی هم در قانون هم در عمل دریافت می‌کند. براساس گزارش ها تا ۳۱ اکتبر ۲۰۱۱، ۱۵ فعال کرد به خاطر جرائمی همچون اقدام علیه امنیت ملی یا فسادالارض و یا جاسوسی با حکم اعدام مواجه هستند. اقلیت ها همچنین همچنان مورد تبعیض شدید اجتماعی-اقتصادی و فشار، زجمله توقیف زمین یا مایملک، ندادن شغل، و محدودیت های اجتماعی فرهنگی و حقوق زبانی مواجه هستند که نقض میثاق نامه بین المللی از بین بردن همه اشکال تبعیض نژادی و میثاق نامه بین المللی حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است.

۶۳- فرزادکمانگر، معلم کرد، همراه باسه شهروند کرد در تاریخ ۹ ماه مه ۲۰۱۰ در زندان اوین اعدام شد. اعضای نزدیک به خانواده گزارش دادند که آقای کمانگر از یک دادگاه عادلانه محروم بود و اینکه اعدام او به صورت مخفیانه صورت گرفت. آقای کمانگر توسط وزارت اطلاعات در سال ۲۰۰۶ دستگیری شد و به به اتهامهای محاربه (نگاه کنید به پاراگراف ۲۲) و برای ادعای عضویت و فعالیت با حزب کارگران کردستان به اعدام محکوم شد. در یک مصاحبه، این موضوع مطرح شد که آقای کمانگر ابتدا بدون تماس با محیط خارج در زندان نگهداری می‌شد و مورد انواع مختلفی از شکنجه از جمله تهدید به تجاوز و تهدید اعضای خانواده قرار گرفت. آقای کمانگر براساس گزارش ها در اوائل سال ۲۰۰۸ به اعدام محکوم شد، بعد دادگاهی که براساس گزارش ها تنها هفت دقیقه به طول انجامید. او از دسترسی به وکیل و اعضای خانواده اش محروم بود. بر خلاف درخواست های متعدد اعضای خانواده، مقامات پیکر او را به آنها تحویل نداده اند و جای قبر او را مشخص نکرده اند.

در آذربایجان چه می گذرد!

تهدید زنان فعال جهت برگزار نکردن مراسم روز جهانی زن ، محدودیت های فراوانی برای فعالین جنبش زنان آذربایجان ایجاد کرده بود با این حال طبق روال سالهای گذشته، گردهمایی ها، کارگاه های آموزشی، ایجاد فضاهای گفتگو، و توزیع کالاهای فرهنگی در سطح شهر تبریز، برگزار شد. کارگاه آموزشی: به مناسبت روز جهانی زن «کارگاه های آموزش حقوقی» با موضوع ضرورت «شروط ضمن عقد» و راهکارهای ثبت آن در سند ازدواج، برگزار شد. این کلاس واره آموزشی با استقبال شرکت کنندگان و برخورد فعال آنان مواجه شد به طوری که مقرر گردید چنین کارگاه هایی در دانشگاه ها و برای دانشجویان نیز برگزار شود. کوهنوردی دسته جمعی: انگار که سنت کوهنوردی دسته جمعی در ایام روز جهانی زن، یکی از سنت های ریشه دار زنان آذربایجان شده است زیرا همه ساله به مناسبت هشتم مارس، این «حرکت سیال فرهنگی، ورزشی» با مدیریت زنان صورت می گیرد. امسال نیز این مراسم دسته جمعی، از جمله برنامه های از پیش تدارک شده توسط زنان فعال تبریزی بود که همراه با برنامه های جانبی (از جمله بحث و گفتگوی آزاد) برگزار شد. محوریت بحث های ارائه شده در این مراسم عمدتاً بر موضوع استقلال جنبش زنان آذربایجان تمرکز داشت. برخی از شرکت کنندگان معتقد بودند که جنبش زنان آذربایجان می بایست از گفتمان غالب در آذربایجان مستقل باشد و در چنین گفتمان های کلان نگر، منحل نشود. منظورشان استقلال این جنبش از حرکت ملی و هویت طلبانه بود که البته موافقان و مخالفان در این مورد به کنکاش و تبادل نظر پرداختند. طبعاً چنین بحث دامنه داری نمی توانست در یک روز، به نتیجه برسد بنابراین قرار شد که باب گفتگوی این مبحث مهم، همچنان گشوده بماند و در فرصت های آینده نیز پیگیری شود. برگزاری جلسه ی ادبی با محوریت شعر زنان به زبان ترکی: سابقه شعرخوانی زنان در هشتم مارس و برگزاری جلسات شعر به زبان ترکی، به سالهای گذشته می رسد. امسال نیز در این مراسم که با شرکت شعری جوان تبریزی برگزار شد شرکت کنندگان شعرهایی را که در ارتباط با زنان و به زبان مادری شان (ترکی) سروده بودند خواندند. رویکرد اغلب سروده های این گردهمایی، بر وضعیت زنان در اجتماع تمرکز داشت و نیز انعکاس ستم ها و تبعیض هایی بود که زنان آذربایجان به دلیل زن بودن شان، متحمل می شوند. از جمله فعالیت های دیگر این روز زنانه، دیدارهای صمیمانه با خانواده های زندانیان سیاسی اعم از زندانیان حرکت ملی آذربایجان، جنبش سبز و سایر فعالان و کنشگران مدنی و سیاسی بود. دیدار با خانم «فرانک فرید»: فعال پیشکسوت جنبش زنان آذربایجان و قدردانی از خدمات فرهنگی، ادبی و اجتماعی ایشان به پاس سالها تلاش خستگی ناپذیرش با نابرابری و تبعیض جنسیتی. فرانک فرید نخستین زن آذربایجانی است که از زمان پس از انقلاب به دلیل فعالیت هایش در رابطه با مسائل زنان در ۲ اسفند ۱۳۹۰ محاکمه شد. او همچنین چندی پیش در دادگاه عمومی - جزایی تبریز به اتهام اخلاص در نظم عمومی از طریق شرکت در تجمعات محاکمه شد که هنوز رأی این دادگاه به وی ابلاغ نشده است. گزارش سالیانه: از مدت ها پیش، ضرورت تهیه ی گزارش

۶۴- گزارشگر ویژه همچنین از کشتار سیستماتیک کولبران و کاسبکاران که (شهروندان) کردی هستند که در مناطق مرزی زندگی می کنند مطلع شده است. کولبران که محموله هایی از اجناسی همچون چای، تنباکو و سوخت را برای معاش زندگی را در حدود مرزی بر پشت خود حمل یا قاچاق می کنند، از این رفتار متاثر هستند. قانون ایران فعالیت های قاچاق کولبران را به عنوان جرمی که قابل مجازات با چند ماه زندان یا جریمه ای معادل کالاهایی ضبط شده است می داند. اما گزارشگر ویژه گزارش هایی دریافت کرده است که نگاهبانان مرزی به این افراد شلیک می کنند، و به یں وسیله دهها کولبر و همچنین اسب های آنان را سالانه زخمی و یا به قتل می رسانند.

۶۵- برخی از بلوچی ها، جامعه سنی مذهب و اقلیت قومی، بر اساس گزارش هامورد تبعیض چندلایه، آزار و اذیت، بدرفتاری، بازداشت خودسرانه و حتی اعدام قرار می گیرند. براساس گزارش هایی که گزارشگر ویژه دریافت کرده است، مناطقی که اکثریت آن بلوچ هستند توسعه نیافته هستند و کرارا با مشکلاتی مواجه هستند که به خاطر دسترسی محدود به مسکن، آموزش، بهداشت و اشتغال ایجاد شده است. آزادی بیان و مذهب شان همچنین محدود است. همچنین در خصوص سطح پایین مشارکت بلوچی ها در جامعه با توجه به تعداد کم آنها در مشاغل بلند پایه دولتی نگرانی هایی ابراز شده است. به علاوه، به خاطر استفاده از معیار های گزینش، رویه ای که مقامات و کارکنان دولتی را ملزم می کند که وفاداری خود را به جمهوری اسلامی و مذهب شیعه اسلام نشان دهند، بلوچی ها را هر چه بیشتر منزوی کرده و به شدت آنها در خصوص فرصت های شغلی و همچنین مشارکت سیاسی محدود کرده است.

۶۶- گزارشگر ویژه در جریان فرار گرفته که ۵۷ تن در جریان اعتراضاتی که برای نجات دریاچه درحال خشک شدن ارومیه در سال ۲۰۱۱ دستگیر شده بودند اخیراً به مجموع ۲۶ سال زندان و ۱۳۹۰ ضربه شلاق محکوم شدند. مجموع ۱۱۲ نفر از آنها محاکمه شدند که ۵۵ نفر تبرئه و ۵۷ نفر به زندان، شلاق و یا هر دو محکوم شدند. از میان افرادی که محکوم شدند بر اساس گزارش ها ۵ زن و ۹ نفر افراد زیر ۱۸ سال بودند. گزارشگر ویژه گزارش هایی دریافت کرده مبنی بر اینکه بسیاری از دستگیرشدگان و محکوم شدگان مورد رفتارهای غیرانسانی در زمان بازجویی شان قرار گرفته اند. دیگر گزارش ها از دستگیری و بازداشت ۶۵ تن از شهروندان عرب در استان خوزستان از اواخر سال ۲۰۱۱ خیر داده اند که ادعا شده در پاسخ به اعلام آنها برای بایکوت کردن انتخابات مجلس و شعار های ضدحکومت بوده است.

گزارشی از بزرگداشت "روز جهانی زن" در تبریز

هشت مارس، روز جهانی زن، امسال (۱۸ اسفند ۱۳۹۰) نیز همچون سالهای گذشته با برگزاری مراسم گوناگون در تبریز گرامی داشته شد. اگرچه فضای متصلب حاکم بر جامعه و نیز

در آذربایجان چه می‌گذرد!

و ثبت اجحافات و ظلم‌هایی که بر زنان آذربایجان روا می‌شود، بین زنان فعال آذربایجان، مطرح بود. زیرا تهیه و ثبت چنین ناروایی‌هایی، و بازتاب آن به افکار عمومی جامعه، به

خودی خود سبب می‌شود که جامعه نسبت به چنین تبعیض‌هایی واکنش نشان دهد و این امر، می‌تواند به طور نسبی از گسترش بی‌رویه این فجایع، ممانعت کند. خوشبختانه امسال در روز جهانی زن، توانستیم چنین گزارشی را البته به طور موجز و مختصر، تهیه و تنظیم کنیم و پس از تکثیر در اختیار علاقمندان قرار دهیم. تعدادی از این گزارش مختصر با عنوان «خلاصه گزارش سالانه از نقض حقوق زنان در آذربایجان» در سطح شهر نیز توزیع شد. اهدای کارت پستال: در ۸ مارس امسال، فعالیت‌ها متنوع و بسیار انرژی‌بخش بود از جمله: کارت پستال‌هایی بین مردم توزیع شد که این کارت‌ها حاوی «شروط ضمن عقد» است. طراحی این کارت پستال‌ها بسیار زیبا، همراه با نقاشی چشم‌نواز از دو قلب عاشق (به نشانی همدلی و همبستگی زوج‌های جوان)، است. متن داخلی این کارت پستال‌ها با عنوان «درج شروط ضمن عقد در عقدنامه: راهی برای تشکیل خانواده مدنی» به تشریح ضرورت درج این شروط در عقدنامه می‌پردازد. این کارت‌ها جهت آشنایی عموم مردم از نحوه برقراری ضمانت بیشتر و شرایط عادلانه‌تر عقد فرزندان‌شان، به آنها هدیه می‌شد. مردم هم از کارت‌ها به شدت استقبال می‌کردند. توزیع کتابچه آموزش مقابله با خشونت خانگی: از دیگر فعالیت‌های فرهنگی و آگاه‌گرانه، می‌توان به کتابچه‌های «آموزش مقابله با خشونت خانگی» (با عنوان روی جلد: «خانه باید امن باشد») اشاره کرد که توسط کنشگران زن بین خانواده‌ها توزیع شد. یکی از ابتکارها این بود که پیش از توزیع جزوه‌های آموزش مقابله با خشونت (که حاوی آدرس مکان‌هایی که زنان خشونت‌دیده می‌توانند در تهران به آنها مراجعه کنند) به همت زنان فعال تبریز، آدرس سازمانها و اماکن حمایتی در شهر تبریز به این دفترچه‌ها افزوده شد که زنان خشونت‌دیده در این شهر نیز در صورت مواجهه با خشونت و ضرب و شتم، بتوانند به این اماکن و سازمانها در خود تبریز مراجعه کنند. امیدواریم که فعالیت‌هایی از این دست صرفاً به ایام روز جهانی زن، محدود و منحصر نشود و در همه ایام سال، این حرکت‌های فرهنگی و جمعی زنانه، نه تنها در آذربایجان که در سراسر ایران، تداوم یابد. گزارش: سارا آذری مدرسه فمینیستی

کارخانجات تولیدی کبریت تبریز در شرف تعطیلی است

خبرگزاری ایلنا از تبریزی می‌نویسد: کارخانجات تولیدی کبریت تبریز با بیش از ۱۳۰۰

کارگر، در شرف تعطیلی قرار گرفته‌اند. چنگیز قاسمی، عضو هیئت مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کشور با اعلام اینکه کارخانجات تولیدی کبریت تبریز در شرف تعطیلی قرار دارند، اظهار کرد: «استان آذربایجان شرقی دارای چندین واحد کبریت‌سازی از جمله ممتاز، تبریز، ۲۹ بهمن و... است که در حال حاضر به جهت افزایش قیمت حامل‌های انرژی و قاچاق کبریت‌های غیراستاندارد در شرف تعطیلی قرار دارند». قاسمی در گفتگو با خبرنگار ایلنا با بیان اینکه ۱۳۰۰ کارگر در این

کارخانجات فعالند، افزود: «کارخانه‌های کبریت‌سازی هم اکنون با حداقل ظرفیت خود فعالیت می‌کند که اگر این وضعیت ادامه داشته باشد زمانی نخواهد گذشت که صنعت تولید کبریت در ایران کلاً از بین می‌رود». به گفته این فعال

کارگری متولیان و صاحبان صنعت کبریت‌سازی، این صنعت را در حال نابودی می‌دانند، اما آنچه در شرایط فعلی

علت پرداختن به این موضوع را ضروری می‌کند، مشکلاتی است که این صنعت در حال دست و پنجه نرم کردن با آن است و بی‌توجهی به آن ضمن تعطیلی یک صنعت دیگر، بیکاری تعداد زیادی کارگر در بخش‌های مختلف آن را فراهم خواهد کرد و به مجموع بیکاران کشور رقمی قابل ملاحظه می‌افزاید. وی همچنین تصریح کرد: «به تازگی کبریت‌های غیراستاندارد و قاچاق چینی با آرم کارخانجات ایرانی تولید و به بازار ایران وارد شده‌اند». او ادامه داد: «در حال حاضر انبار کارخانه‌های کبریت‌سازی از کبریت‌های تولید شده انباشته است و مسئولین این واحدهای تولیدی با مشکلات فروش کالاهای خود مواجه هستند». رئیس کانون هماهنگی شوراهای کار استان آذربایجان شرقی در ادامه افزود: «دولت تسهیلاتی برای افزایش قیمت حامل‌های انرژی در نظر گرفته بود ولی این عوامل از ریشه دارای مشکل هستند و کمبود نقدینگی و عدم وجود مواد اولیه با کیفیت سبب شده مشکلات بسیاری از جمله وارد شدن بسیار مواد اولیه غیر استاندارد از کشور چین برای قشر تولیدکننده کشور ایجاد شده است». وی با اشاره به اینکه ارائه نکردن این تسهیلات بر مشکلات موجود تولیدکنندگان می‌افزاید، ادامه داد: «کمبود نقدینگی در اختیار تولیدکنندگان و به تبع عدم پرداخت به موقع اقساط وام‌ها توسط آنان موج ایجاد مشکلات عدیده‌ای برای بسیاری از کارخانه‌ها شده است». قاسمی تاکید کرد: «با حذف پارانه‌های برق و گاز از واحدهای صنعتی، بهای این حامل‌های انرژی ۱۰ برابر افزایش یافته است و این افزایش قیمت‌ها به تولیدکنندگان فشار وارد می‌کند».

انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی

پایان یافت.

شصت و پنج کاندیدای راه یافته دور دوم حدود پنجاه کاندیدای اصولگرا حدود ده کاندیدای اصلاح طلب و بقیه مربوط به گروههای دیگر هستند. علاوه بر این از میان صد و شصت کاندیدای راه یافته به مجلس در دور اول بیش از صد کاندیدا متعلق به فهرست اختصاصی جبهه متحد اصولگرایان بوده است.

جریان انتخابات مجلس به وضوح نشان داد که حکومت کنونی هم از طریق شورای نگهبان و هم با اعمال شیوه های متعدد دیگر تصمیم گرفته است افراد دلخواه خود را در مجلس، دستگاه اجرائی و قضائی تحمیل کند. و از این طریق اداره کشور را بیش از پیش در دست گروه خود متمرکز نماید. در چنین شرایطی، نقش مردم در اداره کشور معنای واقعی خود را بطور کل از دست داده و گروه کوچکی اهرم های قدرت را در دست می گیرند. طبیعی است حکومتی که با استفاده از این شیوه های نا سالم و غیر دمکراتیک به قدرت رسیده است نمی تواند در خدمت منافع اکثریت مطلق مردم قرار بگیرد. چونکه در کشورهای سرمایه داری استبدادی از جمله ایران گروه کوچک چند درصدی هم ثروت کلان کشور و هم قدرت سیاسی را از آن خود ساخته اند. در کشورهای سرمایه داری کلاسیک غرب حد اقل مردم این حق را دارند که علیه الیگارشیای چند درصدی مبارزه مسالمت آمیز در پیش گیرند.

«وال استریت» را اشغال کنیم شعار طبقات متعدد ساکنین آمریکای ثروتمند، نشان داد که سرمایه داری حتی در سطح رشد بالای خود نمیتواند خواسته های اولیه مردم را برآورده کند. اعتراضات علیه سرمایه داران «خودی» در اروپا نیز به اوج خود رسیده است. یونان، اسپانیا، پرتغال در آستانه ورشکستگی قرار گرفته اند. وضع در اروپای شرقی از جمله در روسیه بدتر از اروپای غربی است. هم در اروپای غربی و هم در اروپای شرقی میلیونها انسان از کار بیکار شده اند. یعنی زندگی اکثریت مردم اروپا مختل گردیده است. در ایران نیز مردم هم از لحاظ فقدان آزادی و هم از لحاظ مشکلات زندگی از حکومت کنونی به مراتب از مردم آمریکا و اروپا ناراضی تر هستند. اما نمیتوانند اعتراضات خود را بشکل دست جمعی و یا بشکل تظاهرات خیابانی بگوش همه گان برسانند. زیرا سرمایه داری عقب مانده ایرانی به جزء اعمال قهر نمیتواند حاکمیت خود را حفظ نماید.

طبقه حاکمه ایران با برگزاری انتخابات از جمله انتخابات مجلس میخواهد وضع ناهنجار کنونی را در اذهان عمومی ایران و جهان وارونه جلوه دهد. و گر نه هیچ نیازی به چنین انتخاباتی نمی دید.

استقرار آزادی و دمکراسی تنها راهی است که میتواند به وضع کنونی پایان دهد و مردم از طریق انتخابات آزاد در اداره امور کشور شرکت کنند. و در تعیین سرنوشت خود شریک باشند.

انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی در شرایط بغرنج سیاسی کشور برگزار گردید. احزاب ملی و مترقی و بسیاری از نمایندگان اصلاح طلب هوادار حکومت اسلامی (اصلاح طلبان بر خلاف محافظه کاران، استقرار دمکراسی را مخالف حکومت اسلامی نمی دانند.) به دلیل غیر دمکراتیک بودن انتخابات، از شرکت در آن سر باز زدند. حتی کسانی که به پای صندوق های رای رفتند، می دانستند که سیاست داخلی دولت بر اعمال خشونت متکی است. و با تکیه به زور کشور را اداره می کند. و بخوبی درک می کردند که سیاستهای ماجراجویانه در عرصه جهانی، ایران را در انزوای کامل قرار داده است. مردم میدانند نه تنها حاکمیت کنونی مورد اعتماد ملت نیست. بلکه جناحهای حاکم نیز بر سر منافع اختلاف دارند و میکوشند تا یکدیگر را حذف کنند. این انتخابات بوضوح اختلافات جدی در سطوح فوقانی حکومت اصولگرا را نشان داد.

روزنامه کیهان می نویسد. با اعلام نهائی نتایج انتخابات در تهران، پرونده انتخابات مجلس نهم بسته شد و بر مبنای ارزیابی های موجود مردم در سراسر ایران بار دیگر اصولگرایان را شایسته ترین گروه برای تصدی پارلمان دانستند. کیهان به مثابه سخن گوی هیئت حاکمه، اصولگرایان را شایسته ترین گروه برای اداره امور مملکتی معرفی می کند. کیهان به کتمان واقعیت می پردازد و نمی نویسد چرا از تهران پنج میلیون و چهار صد هزار (به گفته خودشان) نفری واجد شرایط رای دادن، تنها دو میلیون (به ادعای خودشان) پای صندوق های رای رفتند. بالا ترین رای (باز هم به ادعای خودشان) را حداد عادل با یک میلیون و یکصد هزار نفر و بیژن نوباوه در رده پنجم، با چهار صد هشتاد هزار نفر (کمتر از یک دهم واجدین شرایط رای) بدست آوردند. اگر ادعای روزنامه کیهان و آمار سازی حکومت را بپذیریم، تنها یک پنجم افراد واجد شرایط رای دادن در تهران به اولین نفر لیست نامزدهای اصولگرایان رای داده اند. در این رای گیری پنج نفر اصولگرا در دوره اول به مجلس راه یافتند. بیست و پنج نفر دیگر نتوانستند حد نصاب را به دست آورند و به دور دوم کشیده شدند. دور دوم انتخابات مجلس شورای اسلامی در اردیبهشت سال جار برگزار می شود. در دور دوم پنجاه نفر برای کسب بیست و پنج کرسی مجلس در تهران به رقابت بر خواهند خواست. احمد توکلی، علی مطهری، روح الله حسینیان و دیگر اصولگرایان به اصطلاح منتقد، جزء افرادی هستند که به دور دوم راه یافته اند.

وزیر کشور اعلام کرد که تکلیف ۲۲۵ کرسی مجلس نهم در دوره اول مشخص شده و شصت و پنج کرسی باقی مانده نیز در اوایل اردیبهشت ماه مشخص خواهد شد.

روزنامه کیهان می نویسد ارزیابی های اولیه انجام شده حکایت از آن دارد که اکثریت قاطع نمایندگان مجلس نهم را اصولگرایان تشکیل می دهند. بنابه نوشته همین روزنامه از

ایران و آذربایجان دو کشور همسایه

است تاریخی و برادرانه. اما در سالهای اخیر نیروهایی در ایران تلاش می‌ورزند تا از این رابطه تاریخی سوء استفاده نموده و استقلال جمهوری آذربایجان را زیر سؤال ببرند و یا مدل حکومت دینی در ایران را به این کشور تحمیل نمایند. در همین راستا دستگاههای تبلیغاتی رژیم در ایران، سیاست خارجی جمهوری آذربایجان را شدیداً مورد انتقاد قرار میدهند. این نیروها گویا نمی‌خواهند ببینند که آذربایجان کشوری است مستقل. و بنا براین سیاست این کشور نیز بشکل مستقلانه تدوین و اجرا می‌گردد.

جمهوری اسلامی ایران در حالی با ارمنستان روابط تنگاتنگ سیاسی - اقتصادی دارد که این کشور مسیحی بیست درصد اراضی خاک آذربایجان را تحت اشغال خود در آورده است. آذربایجان نیز با اسرائیل مانند تمام کشورهای دیگر روابط دیپلماتیک برقرار کرده است. در حالیکه برقراری رابطه دیپلماتیک جمهوری آذربایجان بعنوان یک کشور مستقل با اسرائیل به هیچ وجه با تحکیم روابط دوستانه ایران و آذربایجان منافاتی ندارند. و نباید به روابط دوکشور و دوستی بین دو ملت لطمه وارد کند. در همین رابطه دیدار وزیران خارجه ایران، آذربایجان و ترکیه در نخچوان فرصتی بود که سه کشور مسائل مربوط به روابط فی ما بین را بررسی و سوء تفاهم‌های پیش آمده را از میان بردارند. بیانیه‌هایی این مذاکرات نشان می‌دهد که این سه کشور به توافق و تفاهم رسیده‌اند. این تفاهم در تحکیم آتی روابط این کشورها نقش مثبت ایفا خواهد نمود. رسانه‌های گروهی در هر دو کشور باید از طرح مسائل تفرقه افکنانه دوری جویند و برای تحکیم روابط دوستانه میان دو کشور تلاش ورزند.

جمهوری آذربایجان بیست سال است به استقلال ملی دست یافته است. این کشور جدید التاسیس صد و نود سال جزئی از امپراطوری روسیه بود. در تمام این مدت مردم آذربایجان بعنوان یک ملت موجودیت خود را حفظ نمودند و عادات و سنن ملی خود را به بوته فراموشی نسپردند. در عین حال با فرهنگ و تکنولوژی اروپا آشنائی پیدا کردند. در این مدت شخصیت‌های برجسته‌ای در صحنه سیاست و فرهنگ جامعه حضور پیدا کردند و به رشد فرهنگ ملت آذربایجان خدمت کردند. در سالهای حکومت اتحاد شوروی فرهنگ، زبان، علم و تکنولوژی در آذربایجان رشد چشمگیری داشت. با فروپاشی اتحاد شوروی آذربایجان بعنوان یک کشور صنعتی و با فرهنگی رشد یافته به استقلال نائل آمد. در عرض این بیست سال علیرغم افت و خیزهایی که بدلیل جنگ "قره باغ" داشته است، به لحاظ اقتصادی و به لحاظ فرهنگی در راستای ترقی قرار گرفته است. آذربایجان اکنون در نوع خود کشوری است دمکراتیک که در آن آزادی بیان، آزادی تجمع، آزادی احزاب و آزادی ادیان وجود دارد.

آذربایجان با کشورهای همجوار خود به غیر از ارمنستان روابط دیپلماتیک خوبی دارد. از جمله با گرجستان و روسیه همکاریهای فرهنگی و اقتصادی گسترده‌ای دارد. روابط آذربایجان و ترکیه روابطی است بسیار صمیمی و برادرانه. ترکیه اولین کشوری است که استقلال آذربایجان را به رسمیت شناخت و سرحدات خود را با کشور تجاوزگر ارمنستان بست. دولت ایران درست یک روز پس از استعفای میخائیل گارباچف رئیس جمهور وقت اتحاد شوروی، جمهوری آذربایجان را به رسمیت شناخت و روابط دیپلماتیک بین دو کشور برقرار گردید.

کشورهای ایران و آذربایجان از سوابق تاریخی و فرهنگی کهنی برخوردارند. این سابقه تاریخی در میان ملت‌های ایران و آذربایجان پیوند‌های عمیقی بوجود آورده که ناگسستگی است. بنابراین، رابطه ایران و آذربایجان رابطه‌ای

خانواده شهید پرور ابراهیمی بمناسبت سالروز در گذشت ایراندخت ابراهیمی

از جمله غنی ابراهیمی جزئی از نخستین اشخاصی بودند که عضویت حزب توده ایران را پذیرا شدند. و درگسترش و تحکیم این حزب در منطقه آستارا و طولش فعالیت گسترده انجام دادند.

اما ما در این نوشته درباره خانواده ابراهیمی سخن خواهیم گفت. باید به آگاهی خوانندگان برسانیم که چهار فرزند غنی ابراهیمی (فریدون، انوشیروان، ایرج خانم و ایران خانم ابراهیمی) در تحکیم و تقویت حزب توده ایران جانفشانهایی از خود نشان دادند. فریدون ابراهیمی تحصیل کرده حقوق در دانشگاه تهران با روزنامه اطلاعات همکاری می کرد و عضویت در حزب توده ایران را بعنوان عقیده سیاسی برای همیشه برگزید. بعد از تشکیل حکومت ملی در آذربایجان (۱۳۲۴-۱۳۲۵) او به تبریز آمد و دادستان کل آذربایجان منصوب گردید. فریدون ابراهیمی هم با قلم خود و هم با کارهای عملی خود شناساندن تاریخ آذربایجان و تحکیم حکومت ملی خدمات بسزائی انجام داد. بعد از یورش ارتش شاهنشاهی دست نشاندۀ آمریکا دستگیر شد در برابر دژخیمان شاه جانانه مقاومت کرد و جان باخت. خانواده ابراهیمی ها، از جمله ایرج، ایران و انوشیروان مانند صدها مبارزین آذربایجانی ترک وطن کردند. و در آذربایجان شوروی پناه گرفتند. از سالهای اوایل مهاجرت فرقه دمکرات آذربایجان سازمان خود را از نو احیا نمود و هزاران مهاجر ایرانی، مبارزه سیاسی خود را علیه استبداد سلطنتی ادامه دادند. مسئولیت کمیته شهر باکو فرقه دمکرات آذربایجان به ایرج خانم واگذار گردید. هم ایرج خانم، هم ایران خانم و هم انوشیروان مانند صدها مهاجرین فرقه و کار زندگی تامین شدند درس خوانند و به مدارج علمی دست یافتند. بدین طریق آنها بعنوان یک انسان کامل به کشور خود خدمت نمودند. ایران خانم رساله دکترای خود را به مبارزه زنان آزادیخواه

ایراندخت ابراهیمی در یک خانواده آزادیخواه دنیا آمد. و در محیط خانواده انقلابی پرورش یافت و به یک شیرزن انقلابی مبدل گردید. پدر ایران خانم "غنی ابراهیمی" از شخصیت های سیاسی بود و در شهر آستارا زندگی می کرد. این شهر هم از لحاظ رشد فرهنگی و از لحاظ آگاهی سیاسی، انقلابیون از خود گذشته ای را در آغوش خود پروراندۀ است. در این شهر شخصیت های سرشناس، آگاه و روشنفکران مبارز در شرایط سخت فشار پلیس رضا شاه در راه آزادی و دمکراسی، در راه عدالت اجتماعی دور هم جمع می شدند. و تحت پوشش هیئت تئاترال نظریات خود را در میان جمع پخش می نمودند. غنی ابراهیمی پدر ایران خانم یکی از این مبارزینی بود که زیر پوشش هیئت تئاترال فعالیت می کرد و اسناد حزب کمونیست آستارا را بشکل مخفیانه نگاهداری می کرد. او آماده بود او با از خود گذشتگی این اسرار را حفظ نمود.

غنی ابراهیمی اهمیت زیادی به آموزش و تحصیل فرزندانش می داد. غنی روشنفکری آزاده و کمونیستی معتقد بود. او رهبری تشکیلات حزب کمونیست را در آستارا به عهده داشت.

پلیس اطلاعاتی رضا شاه فعالیت تک - تک این افراد را زیر نظر داشت. و در نهایت تعدادی از آنها را که شناسایی کرده بود دستگیر نمود. خانواده ابراهیمی و صادق زمانی و دیگر شخصتهای دستگیر شده به نقاط دور دست جنوب ایران تبعید شدند. میر ایوب شکیبیا، فرضی و معمی دهقان و عده ای دیگر نیز دستگیر و در زندان قصر زندانی شدند. جنگ دوم جهانی و ورود ارتشهای متفقین به ایران دستگاه استبدادی رضا شاه را فرو پاشید. نه تنها زندانیان و تبعید شدگان به محل زندگی خود باز گشتند. بلکه قفل سنگین آهنین زندان بزرگی بنام ایران را شکست و ایرانیان را از این زندان مخوف آزاد نمود. زندانیان آزاد شده حزب نوبنیاد مترقی به نام "حزب توده ایران" را پایه ریزی کردند. خانواده های آزاد شده شهر آستارا

خانواده شهید پرور ابراهیمی.....

ایران اختصاص داد. هم ایران خانم و هم انوشیروان ابراهیمی راه پدر و برادر خود را ادامه دادند و بعد از پیروزی انقلاب به ایران برگشتند. سرپرستی فرقه دمکرات آذربایجان - تشکیلات ایالتی حزب توده ایران در آذربایجان به انوشیروان واگذار گردید. ایران خانم نیز در سازمان زنان آذربایجان فعالیت نمود. این دو مبارز بعد از یورش ددمنشانه ارتجاع به حزب توده ایران در میان صفوف مبارزین مخفی قرار گرفتند. انوشیروان ابراهیمی مانند صدها کادرهای حزب دستگیر شد و در سال هزار سیصد و شصت و هفت در قتل عام زندانیان کشته شد. ایران خانم ابراهیمی با هزاران مشکل توانست ایران را ترک کند و به باکو برگردد. این خانم مبارز چند سال در جمع مهاجرین توده ای زندگی کرد و در راهنمایی به آنها نقش بسزایی ایفا نمود. او همیشه با کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان در تماس بود و در فعالیت های سیاسی آن شرکت می کرد. او با آرزوی بازگشت به میهن آزاد شده چشم از جهان فرو بست. جوانان ایرانی - آذربایجانی راه اجداد خود را در پیش گرفته اند و برای رسیدن به آزادی و دست یابی به حقوق ملی صفوف این جوانان گسترده تر و مستحکم تر می شود. تردیدی وجود ندارد که نسل جدید آرزوهای اجداد خود را عملی خواهند نمود.

نگاهی مختصر به زندگی این خانواده مبارز!

غنی ابراهیمی از مبارزین ضد استبداد و آزادیخواه به نام دوران خود بود. در دوران جنگ دوم جهانی، زمانی که مبارزات ملی در ایران قوت گرفت، او نیز به مبارزات خود ادامه داد.

فریدون ابراهیمی که راه مبارزه با بی عدالتی را از پدرش آموخته بود، در نوجوانی به مبارزی آگاه و سرسخت مبدل شد. در سال ۱۳۲۰ هنگامی که دانشجوی رشته حقوق در دانشگاه تهران بود به نوشتن مقالات سیاسی مبادرت می کرد. در سال ۱۳۲۲ با روزنامه آزر که توسط جعفر پیشه وری منتشر می شد به همکاری پرداخت. وی پس از فارغ التحصیل شدن از دانشگاه در سال ۱۳۲۴ به تبریز رفت و از بیانیه ۱۲ شهریور

فرقه دمکرات آذربایجان حمایت کرد. پس از آن با انتشار اولین شماره روزنامه آذربایجان ارگان رسمی فرقه دمکرات آذربایجان در ۱۴ شهریور ۱۳۲۴، بعنوان عضو هیئت تحریریه و یکی از نویسندگان روزنامه، انتخاب و کار خود را آغاز کرد. مقالات سیاسی، اجتماعی، حقوقی و تاریخی او در روزنامه آذربایجان، در ارتقا دانش مردم، غرور ملی و بیان واقعیت های تاریخی، نقش بسزایی داشت و هنوز هم از اهمیت خاصی برخوردار است. در جریان تشکیل دولت ملی آذربایجان فریدون ابراهیمی بعنوان یکی از بنیانگذاران دولت محلی به دادستانی حکومت ملی آذربایجان بر گزیده شد. وی در این راستا خدمات بزرگی در راه آرامش و امنیت اجتماعی، دفاع از منافع دهقانان، کارگران و دیگر ستمدیدگان انجام داد. فریدون علاوه بر زبانهای ترکی به زبانهای فارسی، فرانسه و عربی نیز تسلط داشت. در حالیکه ۲۸ سال پیش نداشت روزنامه نگاری برجسته، سیاستمداری توانا و دیپلماتی تیزبین بود. او بعنوان نماینده مطبوعات آذربایجان در کنفرانس صلح پاریس شرکت و به شکل ارزنده ای از اهداف صلح آمیز حکومت ملی آذربایجان دفاع کرد. وی همچنین عضوی از اعضای هیئت نمایندگی حکومت ملی آذربایجان برای مذاکره با دولت مرکزی (قوام السلطنه) انتخاب شد.

فریدون پس از یورش ددمنشانه ارتش شاهنشاهی پهلوی که با حمایت دولتهای آمریکا و انگلیس و نیروهای ارتجاعی محلی به آذربایجان صورت گرفت، همراه تعدادی از نیروهای مسلح و فدایی که در ساختمان دفتر مرکزی فرقه به محاصره دشمن در آمده بودند به دفاع پرداخت. وی و یارانش علیرغم خستگی و بی خوابی دو شبانه روز تا آخرین گلوله به مقاومت و مبارزه ادامه دادند. و نهایت به اسارت دشمن در آمدند.

فریدون ابراهیمی در زندان نیز علیرغم فشارهای جسمی و روحی همچنان روحیه مبارزه جویی خود را حفظ و از آرمانهای بزرگ و انسانی اش به دفاع پرداخت. در دادگاه با شجاعت تمام از حقوق ستمدیدگان و زحمتکشانش دفاع کرد. او در بیدادگاه رژیم چنین داد سخن سر داد: " آینده از آن کسانی خواهد بود که عرق ریزان کار می کنند. کسانی که دستهایشان

خانواده شهید پرور ابراهیمی.....

خانواده به مبارزه روی آورد. در سال ۱۳۲۲ به سازمان جوانان حزب توده ایران پیوست. پس از تشکیل فرقه دمکرات آذربایجان به تشکیلات فرقه ملحق شد. بعد از شکست حکومت ملی ناچار تن به مهاجرت داد. در مهاجرت ابتدا رشته زبان انگلیسی را در دانشگاه گذراند و بعد در آکادمی علوم اجتماعی دکترای تاریخ گرفت. در سال ۱۳۴۸ به عضویت کمیته مرکزی فرقه انتخاب شد. پس از پیروزی انقلاب بهمن ۱۳۵۷ همراه تنی چند از اعضای کمیته مرکزی فرقه از جمله ایراندخت ابراهیمی، سید آقا عون اللهی، قتی خشنابی، تقی موسوی، میر وهاب افخم، محمد علی مجیری و ... به ایران برگشت و به همراه فعالین آذربایجانی دفتر فرقه دمکرات آذربایجان، تشکیلات ایالتی حزب توده ایران را بازگشایی و روزنامه آذربایجان را در تبریز به زبان ترکی راه اندازی کرد. انوشیروان ابراهیمی از طرف کمیته مرکزی حزب توده ایران به عنوان نماینده حزب در آذربایجان انتخاب شد. به همت انوشیروان ابراهیمی تشکیلات حزب توده ایران در آذربایجان علیرغم تمام مشکلاتی که از سوی عناصر ارتجاعی و بازماندگان رژیم پهلوی به وجود می آوردند، به سرعت گسترش یافت. نشریه آذربایجان در تمام شهرها و روستاها در دسترس مردم قرار گرفت و تشکلهای توده ای - زنان، جوانان، دانش آموزی، کارگری، دهقانی و فرهنگی و ... تشکیل و طیف وسیعی از آذربایجانی ها را زیر پوشش قرار داد و خدمات بزرگی به مردم آذربایجان ارائه داد.

با یورش به حزب توده ایران انوشیروان ابراهیمی به تهران رفت. پس از مدتی محل اقامت او و رحمان هاتقی، فرج الله میزانی شناسایی و به محاصره پلیس در آمد و دستگیر شدند. او در زندان جمهوری اسلامی همانند برادرش فریدون به سنبل مبارزه علیه شکنجه گران و جلادان رژیم تبدیل شد. نهایت جلادان تاب تحمل او و هزاران مبارز دیگر را نیاوردند و آنها را به شهادت رساندند.

ایراندخت ابراهیمی در آذربایجان به او خاله می گفتند و اغلب نیز با احترام او را ایران خانم می خواندند. ایران خانم یکی

از شدت کار پینه بسته است. این دستهای پینه بسته درهای تمام زندانها و شکنجه گاهها را خواهند گشود. تمام جلادان و استعمارگران را نابود خواهند کرد. روزی خواهد رسید تمامی کسانی که ملتها را از حقوق ملی خود محروم نموده و فرهنگ و افتخارات ملی آنها را لگد مال کرده اند و برای پر کردن جیبها و کیسه های خود از طلا، انسانهای زحمتکش را تحت استعمار قرار داده اند مجبور به جوابگویی جنایات و خیانتهای خود در مقابل مردم خواهند شد."

فریدون ابراهیمی پس از شش ماه تحمل شکنجه زمانی که در مقابل شکنجه گران سر فرود نیاورد حکم اعدامش صادر شد. او در تمام طول شب اعدامش با رفقا و زندانیان در باره مسائل سیاسی، آینده آذربایجان و وظایف انقلابیون آذربایجانی به گفتگو نشست. سحرگاه با خون سردی صورتش را اصلاح کرد، پیراهن سفید، کت و شلوار مشکی و کراوات قرمز پوشید. و به زندانیانی که با تعجب به او نگاه می کردند. گفت: "ما تمام زندگی خود را با پاکی و شرافت گذرانده ایم، چرا باید زیر چوبه دار با حالتی پریشان ظاهر شویم؟"

او با گامهایی استوار در سحرگاه اول خرداد ۱۳۲۶ جلوی باغ گلستان تبریز به پای چوبه دار آورده شد. با نگاهی پر از نفرت به جلادان رژیم و نگاهی پر از امید به آینده آذربایجان بالای دار رفت.

شهادت دلاورانه فریدون ابراهیمی موجی از تحسین و تأثر در روزنامه ها و دیگر نشریات دمکراتیک وقت به جای گذاشت. از آن زمره روزنامه مردم نوشت: فرزند با ذکاوت آذربایجان فریدون ابراهیمی در میان شهدای دیگر همچون ستاره می درخشد. او پس از شش ماه شکنجه همچنان خود را شجاع و مغرور نشان داد. تسلیم نشد. شکنجه در برابر وی زانو زد. جلادان با بردن وی به پای چوبه دار عجز و ناتوانی خود را نشان دادند.

انوشیروان ابراهیمی یکی دیگر از فرزندان غنی ابراهیمی در سال ۱۳۰۵ متولد شد. انوشیروان در نوجوانی تحت تأثیر

خانواده شهید پرور ابراهیمی.....

داد و تا آخر عمر در باکو زندگی کرد. در این سالها ضمن تدریس و تحقیق در دانشگاه باکو پناهگاهی روحی برای دیگران بخصوص زنان مهاجر و پناهنده و دور از وطن شد. هم از این روست که همه او را با محبت و احترام ایران خانم می نامیدند و با این نام از او یاد می کردند و یاد خواهند کرد.. سرانجام ایران خانم ۳۰ بهمن... چشم بر جهان فرو بست. یاد و خاطره خانواده پرشور و انقلابی ابراهیمی ها را گرامی میداریم. بدون تردید جوانان ایرانی - آذربایجانی راه پیشینیان خود را در پیش خواهند گرفت و برای رسیدن به آزادی و دست یابی به حقوق ملی صفوف خود را گسترده تر و مستحکم تر خواهند نمود. تردیدی وجود ندارد که نسل جدید آرزوهای مبارزینی مانند خانواده ابراهیمی ها را عملی خواهند نمود.

دبیر خانه کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان

۳۰ بهمن ۱۳۹۰

به مناسبت صدمین سال تولد یکی از پر آوازه

ترین نویسندگان ملی آذربایجان

میرزا ابراهیم اوف

بر طبق فرمان رئیس جمهوری آذربایجان صدمین سال تولد یکی از نویسندگان شهیر آذربایجان، از دولتمردان برجسته جمهوری، شخصیت ادبی، اجتماعی، سیاسی اتحاد جماهیر شوروی سابق، زنده یاد میرزا ابراهیموف طی مراسمی در کشور یاد می گردد. میرزا ابراهیم اوف در سال ۱۹۱۱ در قریه اون منطقه سراب ایران در خانواده بی بضاعت ازدر و زهرا خانم چشم به جهان گشود.

دیگر از فرزندان غنی ابراهیمی بود. او را می توان یکی از برجسته ترین زنان مبارز ایران در عرصه مبارزه برای تساوی حقوق زن و مرد دانست. ایران خانم در اول مهر ۱۳۰۴ در شهر آستارا متولد شد. در سنین کودکی توسط پدرش با ظلم و ستم دیکتاتوری رژیم پهلوی و وضعیت اسفبار زحمتکشان آشنایی پیدا کرد. در سنین جوانی همانند دیگر اعضای خانواده اش پا به عرصه مبارزه با رژیم ستمشاهی گذاشت. فعالیت در حزب توده ایران و فرقه دمکرات آذربایجان برای رهایی مردم از ظلم و ستم را یگانه راه ممکن میدانست. پس از سرکوب جنبش دمکراتیک مردم آذربایجان توسط دولت مرکزی در سال ۱۳۲۵ ایران خانم به همراه خواهرش ایرج خانم و برادرش انوشیروان ناگزیر به ترک وطن شدند و به اتحاد شوروی مهاجرت کردند. ایراندخت ابراهیمی بعد از اتمام تحصیلات دوره متوسطه وارد دانشگاه باکو شد و در رشته تاریخ به درجه دکترا نائل گردید. وی علاوه بر فعالیت سیاسی به کار علمی و تحقیقی نیز پرداخت و مقالات متعددی از ایشان در نشریات به چاپ رسیده است.

با پیروزی انقلاب بهمن ۱۳۵۷، ایران خانم به همراه برادرش انوشیروان به ایران بازگشت. در این دوران ایران خانم مسئولیت تشکیلات دمکراتیک زنان ایران در آذربایجان را به عهده گرفت و به عنوان مسئول تشکیلات زنان آذربایجان به فعالیت سیاسی، تشکیلاتی و اجتماعی خود ادامه داد. او با بردباری دانش سیاسی و اجتماعی، تجربیات تشکیلاتی خود را در اختیار نسل جوانتر قرار می داد. پیر و جوان، زن و مرد همه او را دوست داشتند و برایش احترام خاصی قائل بودند.

بعد از یورش خائنانه «سپاه پاسداران» به آزادیخواهان در سال های ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ و دستگیری برادرش انوشیروان ابراهیمی، ایران خانم مدت ها در ایران در شرایط سخت مخفی زندگی کرد و بار دیگر به ناچار تن به مهاجرت

به مناسبت صدمین سال تولد یکی....

این دوره ای بود که ایران یکی از تاریکترین دوره زندگی تاریخی خود را طی می نمود. کشور در واقع تحت نفوذ دولت استعماری انگلیس و امپراطوری تزاری روسیه قرار داشت. گرسنگی، بدبختی، فقدان هر نوع آزادی، دمکراسی در کشور زندگی را برای اکثریت به اتفاق ساکنین بخصوص دهاتیان کشور تیره کرده بود. میرزا ابراهیم اوف در دوره ای چشم به جهان گشود که کشور در باتلاق جهل، خرافات و بی سوادی، فقدان بهداشت سیستم فئودالی غرق بود. این دوره ای بود که مالکین، زمینداران بخصوص در آذربایجان سیستم ارباب – رعیتی که فرق زیادی با برده داری نداشت ایجاد نموده بود و دهقانان را در جهل بیسوادی مورد استثمار سبعانه قرار میدادند.

میرزا از کودکی مزه زندگی همراه با محرومیت و بدبختی را چشیده و برای نجات خود در تلاش بود و بالاخره تصمیم گرفت که زادگاه خود را ترک کرده بسوی آذربایجان که تازه به یک زندگی آزاد و مدنی روی آورده بود، رفته زندگی جدیدی را از سر گیرد. این دوره ای بود که آذربایجان شروع به استثمار مخازن نفتی خود پرداخته و بسوی یک زندگی نسبتاً مرفهی می رفت. سیستم نو پای سوسیالیستی با تکیه به مخازن عظیم نفتی برای استثمار آنها به کارگران جوان احتیاج داشت و اکثر کارگران نفت جمهوری را دهقانان بی بضاعت مهاجر که از ایران می آمدند تشکیل می دادند. کشور در آستانه یک رنسانس مدنی و علمی در حرکت بود و در درجه اول مدارس با سیستم اصول جدید تشکیل می گردید و مبارزه با بیسوادی و تأمین شرایط تحصیلی جوانان محروم و کارگران در درجه اول اهمیت دولت بود. میرزا ابراهیم اوف در چنین شرایطی وارد جمهوری گردید و از آن تاریخ زندگی اش وارد یک مرحله جدیدی می گردد. او در معادن نفت به کار مشغول می گردد و دوره تحصیلات اولیه خود را در مدرسه مخصوص کارگران شروع کرده دوره تحصیلی را به اتمام می رساند و بدین ترتیب به آرزوی دیرینه خود می رسد. او در دوره تحصیلی بعدی خود در مدرسه اختصاصی با گروه های ادبی همکاری می کند و در جلسات اختصاصی ادبی شرکت می نماید و شروع به نوشتن حکایات کم حجم شعر و

مقالات ادبی می نماید و بدین ترتیب وارد عرصه ادبی جمهوری می گردد. در مطبوعات جمهوری آثار اولیه ادبی او به چاپ می رسد و با مرور زمان شخصیت ادبی ایشان تثبیت می گردد. در دوره تحصیل در هنرستان به نوشتن حوادثی که در اطراف او اتفاق می افتد مشغول می گردد. دیدار خود را با شخصیت های ادبی، اجتماعی به روی کاغذ می آورد. از اوایل سالهای ۱۹۲۰ نقش میرزا ابراهیم اوف بعنوان نویسنده جوان در زندگی ادبی و اجتماعی جمهوری محسوس می گردد و با گذشت اندک زمان او در رده نویسندگان پر بار و پر کار جامعه ادبی جمهوری قرار می گیرد و به فعالیت ادبی شبانه روزی ادامه می دهد. او درباره زندگی کارگران جوان معادن نفت، صنایع سنگین در حال شکل و کارگاه های سوسیالیستی را طی حکایت کوچک به قلم می آورد و نشان میدهد که در سیستم سوسیالیستی حاکم، جوانان مانند غنچه شکفته شده به گلهای معطر تبدیل میشوند. سیستم کار سوسیالیستی از جوانان محروم دیروزی شخصیت های ارزنده تربیت می کند و تحویل جامعه می دهد. شخصیت ادبی اجتماعی این نویسنده جوان نظر دقت رهبران جمهوری را بخود جلب می نماید و او به ریاست اداره تمدن وزارت فرهنگ جمهوری گماشته می شود. و با گذشت اندک زمان به معاونت ریاست شورای وزیران جمهوری منصوب گردیده و به فعالیت روز افزون خود ادامه می دهد. در دوره زندگی پر بار خود ابراهیم اوف دفعات به نمایندگی شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی انتخاب گردیده و به فعالیت شبانه روزی ادامه می دهد. در عین حال او به ریاست شورای نویسندگان آذربایجان و عضویت شورای مرکزی نویسندگان شوروی انتخاب می گردد. او سالهای زیادی عضو کمیته محافظت از صلح اتحاد جماهیر شوروی بوده، در عین حال در مقام ریاست کمیته همسوئی و همبستگی با کشورهای آسیایی و آفریقائی به فعالیت مشغول بود. در این سالها با فعالیت شبانه روزی و خلاقه موفقیت های زیادی کسب کرد. میرزا ابراهیم اوف به عضویت سازمانهای مختلف ادبی اجتماعی و سیاسی کشورهای خارجی انتخاب شده بود و با آنها صمیمانه همکاری می نمود که شخصیت بین المللی او را تثبیت می کرد.

مرحوم استاد بهزاد بهزادی چند نمایشنامه این نویسنده نامدار را به زبان فارسی ترجمه کرده است. میرزا ابراهیموف به تحلیل ادبی آثار نویسندگان شهیر آذربایجانی صمد ورقون، جعفر جبارلی، سلیمان رحیم اوف، میرجلال و غیره می پردازد و مسائل موجود در ادبیات شوروی را به تحریر در می آورد. او همچنین به تحلیل ادبی آثار نویسندگان بزرگ روس و شوروی می پردازد. میرزا ابراهیم اوف آثار شکسپیر و بعضی نویسندگان بزرگ جهان را به زبان آذری ترجمه کرده است. او نویسنده، ادیب و مترجم برجسته ای بود و بعنوان منتقد ادبی هم کسب حرمت کرده بود. او آثار نویسندگان بزرگ جهان را تحلیل کرده اهمیت آنها را برای بشریت نشان می داد. میرزا ابراهیم اوف مسائل در ژانرهای مختلف تمدن و فرهنگ را از جمله در موسیقی، آثار تجسمی نقاشان، تئاتر و غیره را مورد توجه قرار داده، راهکارهای حل آنها را نشان میداد. او آثار جاویدان آهنگسازان شهیر آذری اوزیر حاجی بگلو، مسلم ماقومایف، خواننده شهیر بلبل و غیره را از دید فلسفی تحلیل کرده، اهمیت جهانی آنها را نشان می داد. میرزا ابراهیم اوف عشق و علاقه بخصوصی به زبان و ادبیات آذری داشت و زبان هر ملت را زیر بنای آزادی و عامل استقلال ملی می شمرد. او زبان آذری را موجودیت معنوی و غرور ملی آذربایجان می شمرد و در تحکیم و تجلی آن می کوشید. در این مورد آثار زیادی به چاپ رسانده بود. «کتاب زبان آذربایجانی» او از طرف ملت بگرمی مورد استقبال قرار گرفت و شهرت بسزائی برایش به بار آورد. در دوره ای که ریاست شورای عالی جمهوری سوسیالیستی آذربایجان را داشت (در ۱۵ جمهوری زبان رسمی زبان روسی بود) زبان آذری را زبان رسمی جمهوری اعلام نمود، که غضب مقامات مرکزی را متوجه او کرد و از سمت خود برکنار گردید و این حادثه باعث تجلیل از شخصیت ابراهیم اوف در محافل ملی گردید و احترام عمیق مردم را بخود جلب نمود. پیاس خدمات ارزنده به فرهنگ و تمدن کشور میرزا ابراهیم اوف به اخذ مدالهای زیاد و با اهمیت شوروی و جمهوری مفتخر گردیده بود و این عشق و علاقه مردم به ابراهیم اوف او را در زمره بزرگترین شخصیت های آذربایجان قرار داده و نام او را جاودانی کرد.

روحش شاد

پروفسور دکتر بهروز شکوری

میرزا ابراهیم اوف سالها در ردیف مبارزین صلح جهانی به فعالیت شبانه روزی ادامه می داد، در جلسات و کنفرانسها در کشورهای مختلف شرکت می نمود و دوستی بین الملل جهانی را تحکیم می کرد. او از مبارزان جدی علیه استعمار و استثمار ملل آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین بود و در این راه با سازمانهای کشورهای جهان همکاری نزدیک داشت که احترام عمیق این ملل را کسب کرده بود. فعالیت شبانه روزی اجتماعی و سیاسی ابراهیم اوف مانع از فعالیت روز افزون ادبی او نمیشد و در چنین شرایطی هم به خلق آثار ادبی ارزنده ادامه میداد. میرزا ابراهیم اوف علاقه زیادی به زادگاه خود داشت در سالهای ۱۹۴۶-۱۹۴۵ دفعات در تبریز و سایر شهرهای آذربایجان با نویسندگان و شعرای جوان آذری در تماس نزدیک بوده با آنها همکاری می کرد و نیروی خلاقه آنها را برای خلق آثار ادبی سوق میداد. این روابط دوستی و همکاری با شعرا و نویسندگان آذری برای مدتهای زیادی ادامه داشت.

میرزا ابراهیم اوف نهضت دمکراتیک آذربایجان و تشکیل حکومت ملی به رهبری مرحوم سید جعفر بییشه وری را صمیمانه تیریک می گفت و این نهضت را آغازی برای آزادی ایران و اقوام ساکن در آن میشمرد. او قلع و قمع نهضت دمکراتیک در آذربایجان از طرف دژخیمان رژیم پهلوی به کمک امپریالیسم آمریکا را یک حادثه تراژیک برای ایران و آذربایجان می شمرد و از این حادثه شوم شدیداً و در دراز مدت احساس ناراحتی می کرد. تحت تأثیر حوادث ناگوار آذر سال ۱۹۴۶ ابراهیم اوف شاه اثر خود را بنام "آن روز خواهد رسید" را به اتمام می رساند که در آن به تحلیل ادبی آن حوادث جنایتکارانه می پردازد و امید خود را برای مبارزات آینده ملل ایران زمین ابراز می دارد. این اثر ارزنده به سبک رالیسم سوسیالیستی به تحریر در آمده به چند زبان از جمله زبانهای روسی و فارسی ترجمه گردیده و مورد استقبال قرار گرفته است. مؤلف کتاب "آن روز خواهد رسید". میرزا ابراهیم اوف به اخذ جایزه دولتی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی مفتخر می گردد. آثار ادبی بی شمار این انسان بزرگوار او را در ردیف نویسندگان درجه اول شوروی قرار می دهد و شورای عالی اتحاد شوروی ایشان را به اخذ مدال درجه اول کشور "قهرمان کار سوسیالیستی" مفتخر می نماید.

میرزا ابراهیم اوف رمانها و نمایشنامه های زیادی از خود بجای گذاشته که دفعات در تئاترهای آذربایجان و بعضی کشورهای خارجی به صحنه در آمده است. یکی از شخصیت های سیاسی، اجتماعی و ادبی ایران مدیر مجله "آذری"

پوتین به پیروزی دست یافت

قرار می‌گیرد. روسیه سرمایه داری «نوپا» سیستم انتخاباتی در ظاهر با سیستم انتخاباتی کشورهای اروپای غربی شباهت دارد. اما در عمل وجه مشترکی با دمکراسی غربی ندارد. در روسیه هنوز هم حکومت تک حزبی، حاکم است. چند حزب دیگر هم هستند که تنها در پارلمان نماینده دارند اما در تصویب قوانین نمی‌توانند نقش مؤثری ایفا کنند. دو عامل مهم در «تثبیت» قدرت حاکمه نقش تعیین کننده دارد. چنانچه در بالا اشاره شد مردم روسیه از کسی که در رأس قدرت است پشتیبانی می‌کنند. در جریان انتخابات اخیر این واقعیت یک بار دیگر خود را نشان داد. هزاران روس به خیابانها آمدند و از پوتین تجلیل به عمل آوردند. و در انتخابات به او رای دادند. تقلب در انتخابات دسامبر دومای دولتی و در انتخابات اخیر ریاست جمهوری بدون شک بکار گرفته شده است اما نقش عامل دوم را بازی کرده است. در انتخابات دومای دولتی حزب حاکم با اکثریت نسبی موقعیت خود را حفظ نمود. در انتخابات ریاست جمهوری پوتین با اکثریت «مطلق» به قدرت رسید. در هر دو انتخابات تقلب صورت گرفته است. احزاب اقلیت تقلب انتخاباتی را محکوم کردند. حزب کمونیست فدراتیو روسیه انتخابات ریاست جمهوری را غیر قانونی اعلام نمود. مخالفین غیر حزبی قبل از انتخابات به خیابانها آمدند و شعار "انتخابات پاک" را سر دادند. همین مخالفین پس از انتخابات، تقلب در انتخابات را محکوم کردند. این اعتراضات نشان میدهد که نیروهایی هم در جامعه روسیه وجود دارند که با اوتوریتاریزم مخالف اند. بنابراین با انتخاب پوتین برای بار سوم به ریاست جمهوری مخالفند. زیرا میبینند که پوتین قصد کناره گیری از قدرت را ندارند.

مردم روسیه میخواهند تا رئیس جمهور برای مدت معینی انتخاب شود، پس از پایان دوره ریاست جمهوری اش کنار برود تا شخص دیگری امور کشور را در دست گیرد. انتخابات اخیر ریاست جمهوری نشان داد که این خواست مردم آرزویی بیش نیست و روسیه در جهان مدرن جایی برای خود باز نکرده است.

مردم روسیه چهار صد سال است تحت سیادت حاکمان توتالیتر و اوتوریتار زندگی کرده اند. طابعت از حاکمان مطلق در خون و رگ آنها سرایت نموده است. سیصد سال امپراطوران روسیه، هفتاد سال دبیران کل حزب کمونیست، بیست سال نیز رئیس جمهور اوتوریتار در این کشور حکم روایی کرده اند. با از بین رفتن اتحاد شوروی سیستم اجتماعی سرمایه داری در این کشور برقرار گردید. روسیه بعنوان یک کشوری اروپایی نتوانست و یا نخواست راه دمکراسی بورژوازی را انتخاب کند. بنابراین در انتخابات ریاست جمهوری شخص مورد نظر حاکمان کنونی بر مسند ریاست جمهوری تکیه زد. یلتسین، پوتین شخصیت‌های هستند که در احیاء سرمایه داری در روسیه نقش اساسی ایفا کرده اند و اکنون نیز در رأس قدرت قرار دارند. یلتسین بیمار نتوانست دور دوم ریاست جمهوری را به پایان به رساند و در آستانه سال دو هزار از ریاست جمهوری کنار رفت و پوتین را جایگزین خود نمود. پوتین هشت سال در مسند قدرت قرار گرفت. در ظاهر امر نخواست در قانون اساسی روسیه تغییراتی انجام دهد. بنا براین مددیف را بعنوان محلل بجای خود گذاشت. در دوران ریاست جمهوری مددیف قانونی از مجلس دوما گزارنده شد. که بر مبنای این قانون دوره ریاست جمهوری از چهار سال به شش سال تغییر یافت. در انتخابات اخیر مددیف خود را برای ریاست جمهوری نامزد نکرد تا پوتین بعنوان یگانه نامزد هیئت حاکمه در انتخابات شرکت کند. سه نفر دیگر از نمایندگان احزاب و یک نفر غیر حزبی نیز در انتخابات شرکت نمودند. پوتین در دوره اول با بدست آوردن تقریباً شصت و چهار درصد آرا برنده انتخابات اعلام شد. جدی ترین رقیب او از حزب کمونیست با بیش از هفده درصد آرا و دیگران چهار، سه و دو درصد آرا را بدست آوردند.

در کشورهای سرمایه داری اروپا و آمریکا انتخابات با شرکت دو حزب انجام میگردد. هر یک از این دو حزب اکثریت آرا را بدست آورد، حکومت را به تنهایی تشکیل میدهد. حزب اقلیت در پارلمان در مسند اوپوزیسیون

جهان یک قطبی

جانبه ای را در پیش گرفتند. بیست سال پس از فروپاشی اردوگاه شرق، غرب سرتاسر منطقه خاورمیانه بزرگ را تحت تسلط خود در آورد. بدین ترتیب روسیه و چین در عمل از منطقه خاورمیانه بزرگ بیرون رانده شدند. در چنین اوضاع و احوالی است که روسیه می خواهد جهان دو قطبی شود و رهبری قطب دوم را روسیه و چین در دست بگیرند. البته چین دارای امکاناتی وسیع اقتصادی است و میتواند و شاید در آینده نه چندان دور به یک قطب قدرتمند در جهان تبدیل گردد. اما برای روسیه از پا افتاده چنین امکانی وجود ندارد که بتواند در آینده نزدیک به یک کشور ابرقدرت تبدیل گردد. کشوری که اقتصادش متلاشی شده و ارتش اش از پای در آمده، نمیتواند با اتکاب قدرت اتمی سالهای حکومت شوروی حرف خود را در مقیاس جهانی به کرسی به نشاند. در عین حال مردم روسیه حاکمان کنونی را مقصر اصلی از هم پاشاندن امپراتوری بزرگ روسیه میدانند. انتخابات مجلس نمایندگان (دوما) روسیه نشان داد که قدرتمندان کنونی موقعیت سیاسی خود را در جامعه از دست داده اند. تظاهرات عظیم در شهر مسکو و در شهرهای دیگر روسیه نشان داد که جامعه روسیه به دو قطب متضاد تقسیم شده است. رهبران کنونی با هزار وعده و وعید عده ای را به خیابانها می کشند تا قدرت را در دستان خود نگهدارند. قطب دیگر از سازمانهای مختلف سیاسی و با برنامه های گوناگون در مقابل قدرتمندان حاکم قرار دارند و بارها با تظاهرات خیابانی می خواهند حکومت کنونی کنار برود و حکومت مورد اعتماد مردم سرکار آید. ادعای دو قطبی کردن جهان ادعای پوچ و بی پایه است. جهان سرمایه داری در حال فروپاشیدن است. مردم سراسر جهان بخوبی در یافته اند که ریشه های همه بدبختی ها یعنی بیکاری، بی خانمانی، گرسنگی در سیستم سرمایه داری نهفته است. این واقعیت را مردم روسیه نیز درک کرده اند. بنابراین آرزوی دو قطبی شدن جهان برای رهبران روسیه عملی نیست. جهان در جهت تغییرات ریشه ای به پیش می رود. اکثریت مطلق مردم جهان می خواهند تا در جهان یک نظام اجتماعی عدالتخواه برقرار شود و بدین سان همه بدبختی ها از میان برداشته شود.

پس از فروپاشی اتحاد شوروی و احیاء سرمایه داری در روسیه و اروپای شرقی، جهان ما به لحاظ سیستم اجتماعی، اقتصادی و سیاسی همسان گردید. در روسیه اقتصاد سوسیالیستی را از میان برداشتند و ثروت ملی این کشور را میان گروه های کوچک تقسیم کردند. در چین سوسیالیستی گزار از سوسیالیسم به سرمایه داری با آرامی تحت رهبری حزب کمونیست انجام گرفت. این روند هنوز ادامه دارد. چین با اعمال سیاستی «مدیرانه» و با استفاده از سرمایه گذارهای کلان خارجی به یک کشور قدرتمند اقتصادی تبدیل گردید. و بازار سراسر جهان را از جمله آمریکا و اروپا را به تسخیر در آورد. رهبران روسیه بر عکس چین، حزب کمونیست را منحل نمودند و امپراتوری بزرگ چهار صد ساله خود را به نابودی کشاندند. روسها بعدها که به خود آمدند، در گفتار به بزرگ نمائی پرداختند. اکنون روسیه تلاش می کند در این جهان یک قطبی ایران، کوبا و کم و بیش چین، ونزوئلا و نیکاراگوا در کنار خود قرار دهد. ایران رادیکالترین عضو این جمع ناهمگون است. کوبا به دلیل فشار شدید اقتصادی و سیاسی که از جانب آمریکا بر آن وارد می شود، اجباراً در صف این گروه قرار دارد. سوریه و لیبی (دوران حکومت قذافی) جزء همپیمانان روسیه و چین بودند. چین و روسیه هم اکنون با سرسختی پشت سر بشار اسد ایستاده اند. این دوکشور در مورد سوریه با ایران ضد آمریکائی نیز همکاری میکنند. بهار عربی ناخواسته در چارچوب سیاست های غرب قرار گرفت. نهضت خود جوش مردم کشورهای عربی بدون برنامه و رهبری مجرب، سران مطلق العنان کشورشان را بشکلی از اشکال کنار زدند. و موفق شدند در تونس و مصر انتخابات پارلمانی برگزار کنند. نتیجه انتخابات نشان داد که نیروهای مذهبی در اداره کشور دست بالا را دارند. در لیبی نیز نهضت اسلام گرایی به چشم می خورد. در مراکش، الجزایر، بحرین، اردن و عمان سیستم اجتماعی و حاکمان دایم العمر سر جای خود باقی مانده اند. در این بازی غرب برنده، چین و روسیه بازنده شدند. در سالهای حکومت شوروی اکثر کشورهای عربی از غرب روگردان، و با شرق یعنی با اتحاد جماهیر شوروی راه همکاری همه

ایران منزوی و پشتیبانان آن

عراق نیست و قدرت نظامی آن نیز از همه کشورهای همسایه قوی تر است. علاوه بر این روسیه نیز با مداخله نظامی آمریکا در ایران موافق نیست. موضع گیری روسیه چنان که در سوریه شاهد آن هستیم احتمال حمله نظامی آمریکا را کمتر می کند. چین نیز بعنوان کشوری قدرتمند با مداخله نظامی آمریکا در ایران مخالف است اگر آمریکا مسئله حمله نظامی به ایران را در شورای امنیت مطرح کند با وتوی چین و روسیه روبرو خواهد شد.

بعد از حوادث لیبی روسیه و چین حاضر نیستند در برابر مداخله نظامی آمریکا در ایران سکوت کنند. و این بدین معنا است که هر دو کشور در پشت سر ایران ایستاده اند و آمریکا نمی تواند هشدار چین و روسیه را نادیده بگیرد.

روسیه قرارداد وسیع فروش اسلحه به ایران را امضا نموده است و نمی خواهد این بازار را از دست بدهد. چنان که از بازار اسلحه در سوریه نیز چشم پوشی نمی کند. چین نیز قرارداد وسیع اقتصادی با ایران دارد بیست درصد از نیاز نفتی خود را از ایران تأمین می کند. چین و روسیه در هیچ یک از تحریمهای اقتصادی و بانکی آمریکا و اروپائی غربی شرکت نمی کنند. بنابراین آمریکا می کوشد با تشدید تحریمهای اقتصادی و بانکی ایران را وادار کند از غنی سازی اورانیوم منصرف شود. در چنین شرایطی بغرنج بین المللی احتمال نمی رود حمله نظامی به ایران به این زودبها آغاز شود.

ایران یگانه کشوری است که بیش از سی سال است با آمریکا در حال ستیز به سر می برد. سیاست ضد آمریکائی به تدریج ایران را به انزوا کشانده است. غنی سازی اورانیوم حلقه انزوا را تنگتر کرده است. همپیمانان اروپائی آمریکا نیز فشار به ایران را تشدید می کنند. آمریکا ایران را متهم می کند که با غنی سازی اورانیوم می خواهد به سلاح اتمی دست یابد. ایران گرچه این ادعا را تکذیب می کند ولی آمریکا بیانات مقامات ایران را قبول ندارد و بنابراین فشار اقتصادی و مالی علیه ایران را گسترش می دهد. کار بجای رسیده است که آمریکا می خواهد خرید نفت از ایران را نیز تحریم کند. ایران نیز در مقابل این تهدید خود را آماده می کند تا تنگه هرمز را به بندد. در چنین صورتی صدور نفت از حوضه خلیج فارس قطع خواهد شد. مانور نیروی دریائی و هوایی ایران در خلیج فارس و تنگه هرمز و حرکت کشتیهای جنگی آمریکا به تنگه هرمز اوضاع متشنج در منطقه را متشنج تر نمود. اسرائیل ایران را تهدید می کند که مراکز اتمی ایران را از طریق هوا نابود خواهد کرد. ایران در مقابل اسرائیل را تهدید می کند که در چنین صورتی اسرائیل را به نابودی خواهد کشاند.

رجزخانی طرفین نگرانی در کشورهای منطقه را افزایش می دهد. آمریکا خود را آماده می کند تا در صورت ادامه غنی سازی اورانیوم، جنگ دیگری در این منطقه آغاز کند. طبیعی است که ایران در چنین شرایطی خواهد کوشید تا از خود دفاع کند. در هر صورت ایران

پیش شرط استقرار دمکراسی واقعی در ایران احقاق حقوق ملل و اقوام تشکیل دهنده کشور می باشد.

جهان در قرن ۲۱ میلادی

نویسنده: ل. ایواشف

۲۸/۰۱/۲۰۱۲

اکنون ببینیم همان برژنیسکی در ۱۴ اکتبر ۲۰۱۱ در «نرماندا» در حالی که جایزه آ. توکولیا را در یافت می کرد. چه می گوید: «ایالات متحده کنونی و کل دنیای غرب اصلاً آن چیزی نیستند که قبلاً بودند. --- دنیای غرب در حال حاضر بدلیل عدم اراده برای اتحاد، در حالت سقوط قرار دارد». در مورد اراده برای اتحاد همچون دلیل اصلی سقوط غرب، می توان مباحثه کرد، اما افت و سیر سقوط آمریکا و غرب - این دیگر فاکتی است که صورت گرفته است. اما برژنیسکی بدون اشاره به افول غرب، باز سازی طرح ژئوپلیتیک نخبگان آمریکایی و اروپایی را بیان می کند. و ماهیت این طرح همان ماهیت قبلی است - به اطاعت در آوردن کل بشریت از طریق ایجاد دولت جهانی و گسترش پیمان آتلانتیک به حساب روسیه، اوکراین و ترکیه. برژنیسکی در آخرین بیانات خود راز بزرگ ژئوپلیتیک را افشا می کند: نجات غرب (چنانکه بارها در تاریخ اتفاق افتاده) بدون شرکت روسیه غیر ممکن است. و راز دوم برژنیسکی: جهان در تلاش دو قطبی شدن است، با محور غرب - شرق (مفهوم جمله او: توان شرق بر بنیان افول غرب در حال رشد است)، و برای مقابله با شرق، غرب به روسیه نیاز دارد. اما خود غرب هم دیگر یک هدف متحد نیست. این دو تمدن ماهیتاً جداگانه است، که در وضعیت مقابله ژئوپلیتیک با هم قرار دارند.

موضوع اصلی

و در این مقابله نخبگان ملی، الیگارشی مالی جهانی با هدف ایجاد فضای واحد جهانی با دولت جهانی تحت حاکمیت پول، نقش اول را بازی می کند. دولت‌های ملی بتدریج اما قاطعانه کنترل بر فضای کشور خود را از دست می دهند. الیگارشی مالی جهانی به فاکتور بین المللی تبدیل خواهند شد که با اتکا به کلویهای مخفی افراد سوپر ثروتمند و تشکیلاتهای ویژه آنها، حاکمیت واقعی را در دست خواهند داشت. جامعه فرا ملیتی موضوع اصلی پروسه های جهانی است: تحمیل اراده خود بر دولت‌های مستقل به کمک پول و شبکه اداری. اداره پروسه های جهانی به وسیله این ساختارهای مالی دارای سطوح مختلف است: سطح عالی - مراکز مالی جهانی (امروز تعداد این مراکز ۱۶ است و در سالهای آینده به ۲۲ مرکز افزایش خواهد یافت). سطح متوسط - بانک‌های فرا ملیتی. تعداد آنها بیش از ۱۰۰۰ بانک است. و سطح آخر - بانک‌های ملی در همکاری با مراکز فرا ملیتی.

اولین ده ساله قرن بیست و یکم را می توان ده ساله امیدهای به بار ننشسته نامید. طرح‌های استراتژیک و تلاش‌های قدرتهای بزرگ و قدرتهای منطقه ای ناکام ماندند. طرح آمریکا برای ایجاد جهان یک قطبی به شکست انجامید. امید های اتحادیه اروپا مبنی بر اینکه آمریکای «ملایم» در چهره باراک اوباما، به اروپا امکان آزادی از قیمومیت آمریکا را خواهد داد و اروپا می تواند نقش اول را در سیاست جهانی بازی کند، واهی از آب در آمد. چین معاصر دیگر نه تمایل و نه امکان مراعات وصیت «دن سیائوپین» که می گفت: «پتانسیل خود را مخفی نگه داریم» و «منتظر لحظه مناسب باشیم» را دارد. ظاهراً این «لحظه» اکنون فرا رسیده است.

اگر در پایان قرن بیستم و اشنگتن توهماتی در مورد اداره یک تنه جهان را داشت، اما امروز ایالات متحده آمریکا همچون نیرومندترین ابرقدرت، کنترل بر پروسه های جهانی را از دست می دهد و نخبگان آن بانگرانی در مورد شیوه

های زنده کردن جامعه آمریکا سخن می گویند. در چنین وضعیتی جالب خواهد بود، که سیر تکامل دیدگاه‌های طراح ژئوپلیتیک ز. برژنیسکی را دنبال کنیم. این او بود که در «صفحه بزرگ شطرنج» و دیگر آثار و سخنرانیها «محاسن و اجتناب ناپذیری نظم جهانی تحت سرپرستی ایالات متحده آمریکا» را تبلیغ می کرد. ز. برژنیسکی طرح ژئوپلیتیک جهان را در چارچوب منافع آمریکا، دقیقاً همچون نخبگان آمریکا، طراحی نمود. به یاد آوریم سخنان او در مورد روسیه، از قبیل: نظم جهانی آینده بر ویرانه های روسیه، به حساب روسیه و علیه روسیه بنا خواهد شد. آقای برژنیسکی

توجه ویژه ای به اروپا - آسیا دارد، و مداح تز "خ. ماکید را" مبنی بر اینکه تسلط بر جهان فقط در صورت تسلط بر اروپا - آسیا ممکن است، و این بدون تسلط بر روسیه غیر ممکن است، بود. «آمریکا در حفظ و تحکیم پلورالیزم در نقشه اروپا

- آسیا دینفع است». --- برای «مقابله با پیدایش ائتلاف دولت‌های دشمن که توان مقابله دارند --- این ائتلافها در آینده باید جای خود به پیدایش متحدین و همکاران استراتژیک دهند،

که تحت رهبری آمریکا می توانند در ایجاد سیستم امنیتی اروپا - آسیا کمک کنند. (ز. برژنیسکی. صفحه بزرگ شطرنج). صحبت بر سر کدام ائتلاف دشمنان آمریکا و کدام قدرتها است که می توانند مبارزه طلبی کنند؟ فکر می کنیم برای خوانندگان روشن است - در درجه اول روسیه و چین.

جهان در قرن ۲۱ میلادی

مهمترین مسئله در بر پای ساختارهای ژئوپلیتیکی جهان آینده - عملکرد الیگارشلی مالی جهانی است، که بیش از دویست سال است با قدرت بر شکل گیری پروسه های تاریخ جهانی تأثیر می گذارد. امروز بخش عمده منابع پولی جهان (بیش از ۷۰ درصد)، فلزات قیمتی، مواد خام هیدروکربون (تا ۸۰ درصد) و رسانه های عمومی جهان، در کنترل ساختارهای نیرومند مالی و مجتمع های فرا ملیتی قرار دارد.

شبکه جهانی، آمریکا، بریتانیای کبیر، روسیه و اتحادیه اروپا را کنترل می کند. و از طریق بانکهای جهانی با هدف برقراری کنترل بر اقتصاد چین به سیستم مالی آن نزدیک می

جهان در قرن ۲۱ میلادی

شود. این شبکه دارای ارگانهای جهانی اداره پروسه های اقتصادی و سیاسی (گروه هشت، «گروه بیست»، کلوپ بیلدبرگ، بانک جهانی، صندوق بین المللی پول ---)، شبکه نیروهای مسلح و نیروهای ویژه (کوپراسیونهای خصوصی نظامی، تشکیلاتهای تروریستی)، مافیای مواد مخدر با تجارت سالانه یک تریلیون دلار. عملاً ناتو، شورای اروپا و بسیاری ساختارهای دیگر در اختیار این شبکه قرار دارند. صندوق اصلی الیگارشلی مالی همچنان ذخیره مالی سیستم ایالات متحده آمریکا، گروه های مالی روتشیلد ها، راکفلر ها و واتیکان است.

پیش بینی عملکرد این سیستم در پروسه باز سازی بنیادی جهان، مشکل است. اما یک چیز روشن است: این سیستم مواضع خود را بدون مبارزه تسلیم نخواهد کرد. نقشه استراتژیک آن - دولت جهانی؛ نهادینه کردن زیر بنای مالی در شرق آسیا؛ ایجاد قوس بی ثباتی و برقراری دیکتاتوری مالی. به بیان دیگر تحکیم فاشیسم مالی جهانی.

نخبگان و دولت کشورهای جداگانه موضوع اداره این سیستم است. از طریق کنترل مالی بر این کشورها، پروسه استعمار دولتی (استعمار مالی) شکل خواهد گرفت. در دولتهای مستعمره نقش نخبگان ملی، اجرای اراده نخبگان جهانی و اجرای اهداف و وظایفی است که در مقابل آنها قرار داده اند. امروز «نخبه ملی» به کسی گفته میشود که پیوندی با مردم کشور خود نداشته باشد، بلکه بخشی و تابعی از نخبگان جهانی باشد. مسئولیت در مقابل نخبگان جهانی بسیار بالاتر از مسئولیت در مقابل مردم خود است. این بدان معناست، که تمامی قلنبه گویبهای آنان در مورد دمکراسی، انتخابات آزاد، استقلال سیاسی کشور حرف پوچ و دانه پاشی است. برای ساده لوحان. این به مفهوم نفی دمکراسی از بنیاد است. زیرا که نخبگان جهانی را هیچکس انتخاب نکرده است. آنها این یا آن بخش از

نخبگان ملی هر کشوری را منصوب می کنند. و آن وقت این «نخبگان نه در مقابل مردم کشور خود، بلکه در مقابل برادران لژنشین خود، یعنی الیگارشلی جهانی جواب پس می دهند. آنها هیچ چیز مشترکی با مردمان کشوری که در آن زندگی می کنند، ندارند. فعالیت آنها دارای منطق و اخلاق خود است. «نخبگان ملی» باید از هرگونه فعالیت تولیدی و کارفرمایی در جهت رفاه دولت خود امتناع ورزند و دستیابی

آزاد نخبگان جهانی را به ثروتهای ملی کشور خود تأمین کنند. مراکز جهانی مالی جایگاه نمایندگان «الیگارشلی نخبگان ملی» را در ساختار مالی جهانی تعیین می کند. نخبگان جهانی سود هنگفت و کنترل کامل مستقل را برای نخبگان ملی تضمین می کنند. مراکز مالی جهانی به منظور تسلط جهانی، این وظایف و مراحل را در مقابل خود قرار داده اند: مرحله اول - ایجاد بحران سیستماتیک و بی ثباتی، دوم - سازماندهی گرسنگی و فلاکتهای طبیعی، سوم - شکل دهی افکار عمومی به نفع تشکیل دولت جهانی و سازماندهی دولت جهانی ضد بحران. برای گسترش و تضمین نفوذ مراکز جهانی مالی، ضروری است که در دیده گان جامعه جهانی سیمای دشمن شکل گیرد. در گذشته چنین دشمنی اتحاد شوروی بود. امروز این دشمن تروریسم اسلامی، لیبی، سوریه، ایران و در چشم انداز آینده این می تواند جمهوری خلق چین باشد. به همین منظور باید روحیه ضد چینی را شکل داد.

مراکز تمدن نیروهای جهانی و استراتژی آنها

مراکز تمدنهای شرق و غرب فعلاً نقش دوم را در شکل گیری پروسه های جهانی ایفا می کنند. همگام با این شکل گیری فعال مراکز ژئوپلیتیکی نیروها در جریان است. مراکز اولین قدرتها، آمریکای شمالی، اروپا و چین است. میان آنها رقابت شدید، نه تنها بر سر رهبری، بلکه بخاطر زنده ماندن در جریان است. در این میان، آمریکای شمالی و در مقیاس کمتری اروپا نقش «بدنه» الیگارشلی مالی جهانی را دارد. اما آنها در سطح دولتی جنگی «آرام» بخاطر استقلال از الیگارشلی مالی و کمیته های فراملی را پیش می برند (جنبش «وال استریت»، نسل «بازیگر»...). هند بمثابه یک تمدن جهانی بسرعت در حال نیرو گرفتن است. اما این فعلاً در رده دوم است، مانند ژاپن، روسیه، برزیل. دنیای اسلام پراکنده، از رشد باز ایستاده، و در جستجوی راه رشد خود است. آمریکای لاتین فقط گام نخست را در راه پیشرفت گذاشته است. آفریقا با از دست دادن معمر قذافی مدتها از رشد مستقل باز خواهد ماند. دکتر ک. و سیفکوف متخصص در علوم نظامی، معاون اول آکادمی مسائل ژئوپلیتیک در مقاله خود «بررسی احتمالات

جهان در قرن ۲۱ میلادی

مستقر سازد. برای تأمین آزادی، صلح، امنیت و ارزشهای عمومی و نهایتاً امکان ندهد هیچ نیروی دیگری در سطح جهان با آن برابری کند. اما اگر شعارها و حرفهای پوچ را در اینجا دور بریزیم، آنوقت نتیجه این می شود که ناتو حق کنترل نظامی کل جهان را دارد. با استناد بر شعارهای متداول دفاع از حقوق بشر، مبارزه با تروریسم، گسترش سلاحهای هسته ای مواد مخدر --- اما در واقع امر، پس از تصویب چنین نظریه ای، ناتو قانوناً به اهرم نظامی برای حمایت حاکمیت پول، حاکمیت الیگارشسی فرا ملیتی تبدیل گردیده است. اما حاکمیت آنها تا زمانی که دلار نیرومند است، تا زمانی که اکثر کشورهای جهان حاضرند که ذخایر ارزی خود را بشکل دلار حفظ کنند و با دلار مبادلات ما بین را اجرا کنند، مستحکم می ماند. تا آن وقت ایالات متحده آمریکا و الیگارشسی مالی فربه تر می گردند و حاکمیت می کنند. محدود شدن «اراضی دلار» بطور اجتناب ناپذیر باعث تضعیف آن و کاهش تأثیر تولیدکننده آن بر پروسه های جهانی می گردد. دگرگونی فلسفه زندگی بشریت (معنویت بیشتر، پاکیزگی اخلاقی، شعور - مصرف کمتر)، مناسبات دلسوزانه با طبیعت به تلاشی حاکمیت پول خواهد انجامید. اهداف اصلی رقابتهای ژئوپلیتیکی: مناطق کلیدی جهان (از لحاظ استراتژیک مهم) خطرناک مواصلاتی استراتژیک و منابع جهانی است. عرصه اصلی مبارزات ژئوپلیتیکی در قرن ۲۱م، عرصه مبارزه فرهنگی - تمدنی و عرصه معنویت است. نابودی یا جذب تمدنهای جهانی، تغییر ماهیت آنها - یکی از اهداف اصلی غرب و نخبگان مالی است. برای تحت کنترل در آوردن فضای جهانی، مذهب عمومی جهانی ضروریست و چنین مذهبی در سیمای یهودیت - مسیحیت در حال شکل گیری است. سیر پروسه های جهانی امکان برخی پیش بینی ها و نتیجه گیریها را بدست می دهد. از جمله - ناتوانی دولت یا دولتها در مقابله با ساختارهای مافیایی جهانی موجب آن خواهد شد که در مقام جواب در عرصه جهانی بازیگران اجتماعی - سیاسی نیرومندتری - تمدن یا اتحاد تمدنها - وارد میدان شوند.

جنگ جهانی» هفت تضاد و عدم توازن، که زاینده بحران سیستمی جهانی قرن ۲۱م است، را اینگونه بیان می کند:

- تضاد ما بین رشد تولید - مصرف و منابع موجود برای پیشرفت؛
- عدم تعادل در تقسیم توانهای صنعتی و مواد خام، زاینده بر خورد منافع مابین کشورهای رشد یافته صنعتی و کشورهای صادر کننده مواد خام؛

- تضاد مابین «فقرا» کشورهای در حال رشد و «ثروتمندان» کشورهای رشد یافته صنعتی؛

- تضاد مابین ملتبهتا، نخبگان ملی، نخبگان فرا ملی؛

- تضاد مابین حجم جهانی «حبابهای مالی» و مقیاس واقعی بخش اقتصاد جهانی؛

- تضاد مابین حاکمیت عظیم جهانی مالی نخبگان مالی فراملیتی و عدم وجود نهادهای سیاسی آن؛

- تضاد مابین بی اخلاقیات «بازار آزاد» زاینده حاکمیت پول و معنویت مابقی تمدنهای مختلف موجود، زاینده حاکمیت ایده (در این یا آن سطح).

غرب (الیگارشسی بعلاوه نخبگان «ملی») چگونه این تضادها را حل خواهند کرد؟

اول: سپردن مهمترین منابع طبیعی و خطوط مواصلاتی استراتژیک بر عهده به اصطلاح «کنترل» بین المللی. در صورت مقاومت از طرف کشورهای مستقل در اراضی آنها انقلابات «رنگی»، کودتای «دمکراتیک»، بحران و ... آغاز می گردد. و اگر اینگونه اقدامات صلح آمیز عمل نکرد. آنوقت مند زور حل مشکلات وارد عمل خواهد شد (یوگسلاوی، عراق، لیبی).

دوم: ثبت رسمی ساختارهای جهانی رهبری. مثلاً چه کسی «گروه هشت»، «گروه بیست»، گردهمایی داووس، را بوجود آورد؟ چه کسی به ایالات متحده آمریکا اختیار اجرای مجازاتهای بین المللی، و مجری «قانون» بین المللی را داده است؟ اما تصمیمات اینها و «ارگانهای» مشابه آن عملاً برای دولتهای جامعه جهانی لازم اجرا است. طبق نظریه استراتژیکی سازمان اتلانتیک شمالی که از طرف سران کشورها و دولتها در لیسبون (نوامبر ۲۰۱۰) قبول گردید، ناتو می تواند:

«نیروهای مسلح خود را هر جا و هر زمان که برای تأمین امنیت

زندانیان سیاسی را آزاد کنید.

در آستانه انتخابات مجلس شورای اسلامی

عین حال مدعی می شود که: " حضور مردم در انتخابات دشمن شکن خواهد بود." درعین حال نماینده او در سپاه پاسداران از حضور ۶۰ تا ۶۵ درصد از واجدین شرایط در انتخابات مجلس شورای اسلامی خیر می دهد. این پیش بینی ها و بهتراست گفته شود، پیشگویی ها از زبان کسانی جاری می شود که نه تنها هیچ باوری به مردم و رای آنها ندارند، بلکه از اوضاع نا به سامان جامعه و ناراضی که اکثریت بالای مردم از حکومت دارند، از همه بیشتر با خبرند. این آمار سازی ها و پیشگویی ها همه نشان از آن دارد، که برگزار کنندگان انتخابات مجلس شورای اسلامی، قصد دارند از بالای سر مردم انتخابات فرمایشی انجام داده و به حساب حضور " پر شکوه" مردم در پای صندوق های رای بگذارند. به دیگر معنی این بامهندسی کودتای انتخاباتی قبل از انتخابات انجام گرفته است.

برکسی پوشیده نیست که گرانی، بیکاری و بیخانمانی فشار روز افزونی به مردم، و بخصوص به زحمتکشان کشور وارد می کند. اقتصاد کشور براساس سیاست های غلط و سودجویانه گروههای حکومتی در حال نابودی و فساد تمام ارگانهای دولتی را در بر گرفته است. اختلاس سه هزار میلیاردی و اختلاس های مشابه دیگر در ارگانهای دولتی و زیر مجموعه های دولت، پرده از عمق فساد در کشور را بالا زد. توطئه های غرب و تحریم های اقتصادی و بلبشوی به چاب به چاب ارگانهای امنیتی - نظامی و سیاستمداران، دست به دست هم داده و کشور را در لبه پرتگاه نا بودی قرار داده است. نظام پولی کشور به یک باره با سقوط صد درصدی روبرو می شود. در چنین شرایطی رهبران کشور تصمیم دارند با دور زدن کامل مردم و زیر پا گذاشتن اصول مردمی قانون اساسی قوای سه گانه از جمله مجلس شورای اسلامی را مطیع و تکصدایی کنند. این مسئله بحران های همه جانبه کشور را تشدید و پایگاه اجتماعی حکومت را نسبت به گذشته محدودتر می کند. با این وجود سرنوشت کشور با دو خطر بزرگ جنگ ویرانگر و یا سازش خانمانه مواجه خواهد شد..

فرقه دموکرات آذربایجان همیشه بر این باور بوده است که در نبود آلتزناتیوی قوی و مردمی، نیروهای سیاسی و آزادیخواه کشور باید تمام تلاش خود را بکار گیرند و اجازه ندهند تا نیروهای انحصار طلب و تمامی خواه، تمام سکانهای حکومتی را در دست بگیرند و کشور را به راهی ببرند که با منافع مردم در تضاد کامل است. اما کودتای انتخاباتی ریاست جمهوری و پیامدهای بعدی آن، نشان داد که بخش مسلط حاکمیت تصمیم گرفته است تمام راه هایی که امکان دارد صدای منتقد و معترضی در آن رسوخ کند، ببندد. در چنین شرایطی شرکت در انتخابات کمک به اهدافی است که حاکمیت بدنبال آن است.

12 اسفند ماه سال جاری مصادف است با برگزاری نهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی. این انتخابات در حالی بر گزار می شود که بحران سیاسی - اقتصادی و اجتماعی همه جانبه ای کشور را فرا گرفته است. وضعیت اسفبار معیشتی مردم به دلیل اوضاع نا بهنجار اقتصادی کشور و تحریم های اقتصادی ازسوی کشورهای امپریالیستی، از یک سو و خطر جنگ از سوی دیگر فضای روانی جامعه را به شدت ملتهب کرده است. همین مسئله تضاد و چالش میان توده های مردم و حاکمیتی را که با سیاست های نا بخردانه، مسبب تمام نا هنجاریهای جامعه است، عمیق تر کرده است. در چنین شرایطی سردمداران رژیم به جای پذیرفتن اشتباهات گذشته و با تحلیل درست از وضعیت پیش آمده، راه سرکوب، اختناق و انسداد سیاسی بیشتر را پیش گرفته اند. برای حاکمانی که به هر شکل خواهان حفظ وضع موجود هستند، تکرار حماسه جنبش اعتراضی مردم که در انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ روی داد، غیر قابل تصور و ترسناک است. حاکمان مسلط برکشور میدانند با توجه به سطح گسترده نارضایتی مردم از حاکمیت، کوچکترین غفلت آنها ممکن است، انفجار اجتماعی در پی داشته باشد.

کودتای انتخاباتی سال ۸۸ و سرکوب وحشیانه هزاران انسانی که نسبت به پایمال شدن رای و نظرشان به خیابان ها آمده بودند، تجربه تلخی است که هرگز از ذهن جامعه پاک نخواهد شد. تظاهرات آرام چندین میلیونی مردم با سرکوب وحشیانه نیروهای انتظامی - امنیتی مواجه شد. در این یورش دهها نفر کشته و صدها زخمی و زندانی شدند. مسئولین درجه اول حاکمیت، مردم را به خس و خاشاک تشبیه کردند. آقای خامنه ای پشت سر کودتاگران انتخاباتی قرار گرفت. زندانبانان رژیم قربانیان خود را به مسلخ شکنجه بردند تا به جرم ناکرده اعتراف کنند. عامرین و عاملین تقلب انتخاباتی به جای توجه به خواست میلیونی مردم، دستور کشتار و دستگیری معترضین را دادند. دستگیر شدگان را در بازداشتگاههای آشکار و پنهان مورد شکنجه، اذیت و آزار قرار دادند. افشای گوشه ای از شکنجه های وحشیانه و شنیع زندانبانان رژیم، انزجار شدید توده های مردم ایران و جهان را بر انگیخت. این افشاگری ها دست خامنه ای را که شخصا رهبری این جریان کودتایی و ضد مردمی را به عهده داشت، برای مردم رو کرد.

بیش از دو سال است که از این فاجعه می گذرد. با گذشت زمان ابعاد غیر انسانی متجاوزین به حقوق مردم بیشتر آشکار شده است. اما آقای خامنه ای به جای پذیرفتن جنایاتی که رخ داده است و عذر خواهی از مردم، حقایق را وارونه جلوه میدهد و مانند همیشه نا رضایتی های مردم را به حساب دشمن موهوم می گذارد و می گوید: "جبهه کفر و استبداد در سددند تا حضور مردم در انتخابات را کم رنگ کنند." و در

دلیل تیرگی روابط ایران و آذربایجان

ابایی ندارد. چندی پیش یکی از نویسندگان آذربایجانی قربانی همین مقاصد شد. اخیراً رسانه های آذربایجان فاش کردند که بالا قارداش داداشوف شهروند جمهوری آذربایجان که در اردبیل مقیم است مأموریت ترور یکی دیگر از شهروندان آذربایجان را داشته است. و ... سالها سران جمهوری اسلامی بر شنبور صدور انقلاب به دیگر کشورها می دمند. ادامه جنگ ویرانگر ایران و عراق با شعار "جنگ، جنگ تا پیروزی" و "راه قدس از کربلا می گذرد" علاوه بر ویرانی های بیشمار و صدها هزار کشته و زخمی که در پی داشت، نیروی تدافعی ایران تضییع نمود و کشور را در حال شکست جنگی قرار داد. آیت الله خمینی برای رهایی کشور از ورطه سقوط، مجبور به نوشیدن جام زهر شد. چرا سران جمهوری اسلامی از گذشته درس عبرت نمی گیرند. و به جای دست دوستی دراز کردن به طرف مردم آذربایجان، بذر کینه و نفرت را می پراکنند. مردم آذربایجان بدرستی سؤال می کنند، که چرا جمهوری اسلامی روابط دوستانه و صمیمانه سیاسی و اقتصادی با کشور ارمنستان که بر اثر جنگ خونینی ۲۰ در صد خاک کشور مسلمان نشین آذربایجان را در اشغال دارد بر قرار می کند، ولی با دولت و مردم جمهوری آذربایجان روابط خصمانه دارد؟ سیاست ضد آذربایجانی دولت جمهوری اسلامی با منافع دو کشور و تمایل قلبی دو ملت کاملاً در تضاد قرار دارد. مردم ایران و بویژه آذربایجانی های ایران خواهان رابطه ای کاملاً احترام آمیز نسبت به مردم آذربایجان هستند و بدون تردید در این رابطه با هر نیرویی که قصد تفرقه و تنش بین دو کشور همسایه را داشته باشد، بشدت بر خورد خواهند کرد. از قدیم گفته اند "هر کس باد بکارد، توفان درو می کند". سرنوشتی که سران جمهوری اسلامی برای خلقهای ایران رگم زده اند هرگز شایسته آنها نیست. ساکنان کشور پهناور ایران همیشه خواهان روابط گسترده اقتصادی - سیاسی و فرهنگی با دیگر خلق های جهان بوده هستند. دوستی ملت ها به صلح و آرامش و پیشرفت و ترقی کمک می کند. جنگ و نفرت، ویرانی و عقب ماندگی بیار می آورد. مردم خواهان صلح، دوستی و پیشرفت هستند.

امسال آذربایجان بیستمین سال استقلال خود را جشن گرفت. جمهوری آذربایجان در قفقاز جنوبی واقع است و تقریباً دو بیست سال در ترکیب روسیه قرار داشته است. استقلال جمهوری آذربایجان با فروپاشی اتحاد شوروی صورت گرفت. دولت نو بنیاد آذربایجان پس از استقلال کوشید روابط دیپلماتیک خود را با تمام کشورهای همسایه به جز کشور ارمنستان که در حال جنگ با او بود، بر اساس قوانین بین المللی تنظیم و بخصوص با همسایگان خود مانند گرجستان، روسیه و ایران روابط دوستانه تری بر قرار نماید. در این میان مناسبات آذربایجان و ترکیه از ویژگی خاص بر خوردار است. در این سالها روابط سیاسی - اقتصادی و فرهنگی دولت آذربایجان با دیگر کشورهای جهان گسترش پیدا کرد. همین بس که صد و چهل و پنج کشور جهان به عضویت غیر دایمی آذربایجان در شورای امنیت سازمان ملل متحد رای مثبت دادند. اما دلیل تیرگی روابط آذربایجان با ارمنستان. بیش از بیست سال پیش جمهوری ارمنستان با حمایت دولت گارباچف و با ادعای واهی به خاک آذربایجان تازه به استقلال رسیده فاقد نیروهای مسلح تجاوز کرد و بیست در صد از خاک این کشور را اشغال نمود. علیرغم قطعنامه های سازمان ملل و محکومیت اشغالگران ارمنی دولت متجاوز ارمنستان مناطق اشغالی را تا به حال تخلیه نکرده است. رابطه سیاسی - اقتصادی و فرهنگی جمهوری آذربایجان با جمهوری اسلامی ایران طی سالهای گذشته علیرغم تمایل دو ملت ایران و آذربایجان در نوسان بوده است. بزرگترین دلیل آن دخالت های نا بجایی است که گاه و بیگاه سران جمهوری اسلامی در امور داخلی آذربایجان داشته اند. تلویزیون و رادیوهای ترک زبان ایران منظم و مرتب علیه دولت آذربایجان تبلیغات منفی پخش می کنند. بعضی از روحانیون درجه اول جمهوری اسلامی با تبلیغات وسیع خود می خواهند بنیادگرایان اسلامی در آذربایجان را تقویت کنند و از این طریق سیستم سیاسی آذربایجان را از مسیر خود خارج و یک نظام اسلامی مانند ایران در این کشور بوجود بیاورند. دستگاه امنیت ایران برای رسیدن به اهداف خود از ترور اشخاص نیز

آذربایجان میلی حکومتی بیر حقیقتدیر

تاریئل امید	تاریئل امید	تاریئل امید
<p>وطن اولام</p> <p>سوزوم اولاداشدان کئچه بو عمردن باشدان کئچم سوالاندان قیرت آلام، گورونمه میش حیرت آلام. هر آرزوم بیر قیلج چکه، دونه گویلرده شیمشیه. گوزلرده غمی اریدم، دویم دوغما یورد گلیمشم. بوردا یوللار سالاجام، بیئیب بوردا قالاچام. ایشیق سنلی باشدان باشا دیرماشا بو داغا داشا تورپاغا یئنی گون گله، تورپاغیندا اوزو گوله. یوردومدا آزادلیق اکم، انلده کنشیین چکه. سو گورمز چوللره بئله، آرازین قوللاری گله. تورپاق آلتدا قات-قات اولام، ئولن آرزو کام گویلره. بیر داشیندا قره داغین، یازالار تاریلین آدین. آغ گونلرینه من اولام داغلاشیب بیر وطن اولام</p>	<p>بایرام پایی</p> <p>دویمارام آنیمین بایرام پاییندان اوغول سوراغیندا بیزه گوندریب. ساخالییب، ساخالییب نوح اییامیدان، بوغدا چاناغیندا بیزه گوندریب *** نوغولا، ناباتا چاتیب کیشمیشی، گلیب سوفره سینده یازین گلشی. دئییب ایشیقلاری یانماز آی کیمی! کهنه چیراغیندا بیزه گوندریب. *** قورغا قورروب، قیزدیریب ساجی، بیزیمچون گونیییب بورنونون اوجو. داغداغان آغاجی بیر گوز مونجوغو، دسمال قیراغیندا بیزه گوندریب. *** اوغول نوم واردی، اولوب قیز نوم قیز نوه نه قوربان اونودو هیم. بو گونو ده گوردوم داها ئولمه رم، او، یون داراغیندا بیزه گوندریب. *** آجیب یوخوسونو، سویا سؤیکیب. گله بیلمه بیدیر، یامان گوینه بیب. قارا خالینی دا اسیرگه میب نوه یاناغیندا بیزه گوندریب</p>	<p>خدافرین</p> <p>یوز ایلین دردینی چکیر بو کورپو داشلاری توکولمور خدافرینین قارداش نسگیللیه حورولوب حورگو حورگوسو سوکولمور خدافرینین *** نه دئییم گوره سن بیر سنویندیریم بیر منیم دیلمله اونو دیندیریم ئوگی ئولادیدیر ایکی ساحلین، قاپیسی چکیلمیر خدافرینین *** بیر وقت آچیق اولوب بو کاروان یولو، تبریز بیر قولویموش، باکی بیر قولو. قدیمدن قدیمدیر اولودان اولو، هیچ بئلی بوکولمور خدافرینین *** آی آزادلیق عشقیم آزادلیق ارکیم، منیم بو ایسته بیم چتین دئیلمکی... گوره سن نه ایچون بو تزه کورپو، یانیندا تیکیلیمیر خدافرینین.</p>

عارف صفا

فزل

آلیبدی قلبیمی بیر ماهی پاره تبریزده،
 سالیبدی کونلومو مین آهو زاره تبریزده.
 هر ائوده بیر نئچه نازلی ملک خیالا دالیب،
 یانیر گویون اوزو تک مین سیتاره تبریزده.
 بولودلا اورتولوب گول جامالی سئوگیلیمین،
 اولوب محبتیمیز پاره – پاره تبریزده.
 آتاق کدرله قمی گل، چیخاق بو داغلارا بیز،
 سنی قوناق ائله بیم لاله زاره تبریزده.
 گوزلدی آبی – هواسی، سریندی چشمه سی،
 نه دردیمل اولسا اونا واردی چاره تبریزده.
 قزبله، نفرت ایله چیرپینان اوره کلرده.
 آزادلیق آرزوسو وار آشیکاره نبریزده.
 من عارقم سونه بیلمز منیم امید چیراغیم،
 آزادلیغیم گوله جک دوباره تبریزده

عارف صفا

تبریزیم

نوروز بایرامی مناسبتیه

نوروزدور تبریزی گل سیره چیخاق،
 سنه گول باغلا بیم من قوجاق- قوجاق
 گور بیر نچه ایلدیر سوسوبدور آنجاق،
 نغمه سی تبریزین، سازی تبریزین

 تبریزین دردینه یانیر اوره بیم،
 اونون آزادلیغی – آرزوم، دیله بیم،
 قیشی چوخ سرط اولور، یایی ملاییم،
 جنته بنزه بیر یازی تبریزین.

گرک بو بایرامدان الهام آلاسان،
 گندیب «حکم ماوار» دا قوناق قالاسان،
 قایقاناق بیشیریب، ایران چالاسان،
 سئوینه او غولو، قیزی تبریزین.

چوخلاری دسه ده تبریزه قوجا،
 اونو اونو اوخشاداردیم بیر قیزیل تاجا،
 دایم دویوشه جک عمرو بو یونجا
 نه قدر گولمه بیب اوزو تبریزین